

Elham Khadang¹ , Karamollah Daneshfard² , Reza Najafbagy³ 

1. PhD. Candidate, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. elham.khadang@gmail.com

2. Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (Corresponding Author). daneshfard@iau.ir

3. Professor, Department of Public Administration, Faculty of Management and Economics, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. r.najafbagy@iau.ir

Abstract

Small and Medium-sized Enterprises (SMEs) serve as the backbone of modern economies, playing a key role in job creation, innovation, and economic growth. In Iran, these entities face challenges such as dependence on oil, international sanctions, complex bureaucracy, and shortages of financial resources, leading to the country's low ranking in the Ease of Doing Business index (127 out of 190 in 2020). This article aims to identify policy gaps in improving their business environment and provide implementation solutions, employing a mixed qualitative-quantitative approach with the fuzzy Delphi method. The theoretical framework is grounded in models such as Kingdon's multiple streams, advocacy coalitions, and institutional analysis, while the research background focuses on examining the characteristics of these businesses, global and domestic challenges, and successful experiences from other countries. In this study, two rounds of Delphi surveys were conducted with 15 experts using triangular fuzzy numbers and Kendall's concordance test ($W=0.793$). The results classify the gaps into four dimensions: economic (financial limitations and inflation), institutional (bureaucracy and lack of a single authority), technological (shortages in education and localization), and market (sanctions and export incentives). The proposed model emphasizes network governance to reduce institutional dispersion, with average component scores above 4.0 indicating priorities such as currency supports (4.60) and institutional consolidation (4.73). Strengthening guarantee funds, simplifying laws, developing technology education, and regional economic diplomacy are recommended to address implementation barriers.

Keywords: Policy Analysis, Institutional Governance, Fuzzy Delphi, Small and Medium Enterprises (SMEs), Business Environment.

JEL Classification: H11, L26, O25, O43

Doi: 10.22034/eaai.2026.2077102.1072

Article history:

Receive Date: 8 November 2025

Revise Date: 31 January 2026

Accept Date: 3 February 2026





تحلیل شکاف پیاده‌سازی در خط‌مشی‌های محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران



مقاله پژوهشی

الهام خدنگ^۱ ID، کرم‌اله دانشفرد^۲ ID، رضا نجف بیگی^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

elham.khadang@gmail.com

۲. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول). daneshfard@iau.ir

۳. استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

r.najafbagy@iau.ir

چکیده

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) به‌عنوان ستون فقرات اقتصادهای مدرن، نقش کلیدی در اشتغال‌زایی، نوآوری و رشد اقتصادی ایفا می‌کنند. در ایران، این واحدها با چالش‌هایی مانند وابستگی به نفت، تحریم‌های بین‌المللی، بوروکراسی پیچیده و کمبود منابع مالی مواجه هستند که منجر به رتبه پایین کشور در شاخص سهولت کسب‌وکار (۱۲۷ از ۱۹۰ در سال ۲۰۲۰) شده است. این مقاله با هدف شناسایی شکاف‌های خط‌مشی‌گذاری در بهبود محیط کسب‌وکار آن‌ها و ارائه راهکارهای اجرایی، از رویکرد آمیخته کیفی - کمی با روش دلفی فازی بهره می‌گیرد. چهارچوب نظری بر پایه مدل‌هایی مانند جریان‌های چندگانه کینگدون، ائتلاف‌های حمایتی و تحلیل نهادی استوار است و پیشینه پژوهش بر بررسی ویژگی‌های این کسب‌وکارها، چالش‌های جهانی و داخلی و تجربیات موفق کشورها تمرکز دارد. در این تحقیق دو دور نظرسنجی دلفی از ۱۵ خبره با استفاده از اعداد فازی مثلثی و آزمون هماهنگی کندال ($W=0.793$) انجام شده است. نتایج، شکاف‌ها را در چهار بُعد اقتصادی (محدودیت‌های مالی و تورم)، نهادی (بوروکراسی و نبود متولی واحد)، فناوری (کمبود آموزش و بومی‌سازی) و بازار (تحریم‌ها و مشوق‌های صادراتی) طبقه‌بندی می‌کند. مدل پیشنهادی، بر حکمرانی شبکه‌ای برای کاهش پراکندگی نهادی تأکید دارد و میانگین امتیاز مؤلفه‌های بالای ۴/۰، نشان‌دهنده اولویت‌هایی مانند حمایت‌های ارزی (۴/۶۰) و تجمیع نهادها (۴/۷۳) است. تقویت صندوق‌های ضمانت، ساده‌سازی قوانین، توسعه آموزش فناوری و دیپلماسی اقتصادی منطقه‌ای برای رفع موانع اجرا پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: تحلیل خط‌مشی، حکمرانی نهادی، دلفی فازی، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، محیط کسب‌وکار.

شناسه دیجیتال: 10.22034/eaai.2026.2077102.1072

طبقه بندی JEL: H11, L26, O25, O43.



© The Author(s).



سابقه مقاله:

تاریخ بازنگری: ۱۱ بهمن ۱۴۰۴

تاریخ دریافت: ۱۷ آبان ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۴ بهمن ۱۴۰۴

استاددهی: خدنگ، الهام، دانشفرد، کرم‌اله و نجف بیگی، رضا. (۱۴۰۴). تحلیل شکاف پیاده‌سازی در خط‌مشی‌های محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران. فصلنامه تحلیل‌ها و اندیشه‌های اقتصادی، ۲ (۶)، ۸۵-۱۲۲.

۱- مقدمه

کسب‌وکارهای کوچک و متوسط^۱ (SMEs) به دلیل ایجاد بیش از ۹۰ درصد واحدهای اقتصادی جهان و نقش محوری در اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی، ستون فقرات اقتصادهای مدرن محسوب می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۰۴). اقتصادهای مدرن به طور فزاینده‌ای به نقش استراتژیک کسب‌وکارهای کوچک و متوسط^۲ در پویایی اقتصادی وابسته هستند. این بنگاه‌ها با سهم قابل توجهی در اشتغال‌زایی، تولید ناخالص داخلی^۳ و ترویج نوآوری، ستون فقرات بسیاری از اقتصادها را تشکیل می‌دهند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همکاران^۴، ۲۰۱۹).

در ایران، کسب‌وکارهای کوچک و متوسط با چالش‌هایی مانند وابستگی به نفت، تحریم‌های بین‌المللی، بوروکراسی پیچیده، کمبود سرمایه در گردش، ناپایداری مقررات و ضعف زنجیره تأمین مواجه‌اند (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳؛ مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). رتبه ایران در شاخص سهولت کسب‌وکار بانک جهانی (۱۲۷) از ۱۹۰ در سال ۲۰۲۰ (ضرورت اصلاح خط‌مشی‌ها و بررسی عدم اجرای آن‌ها را نشان می‌دهد).

در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی، یکی از چالش‌های محوری تحلیل سیاست‌های عمومی، فاصله میان تصمیمات رسمی و پیامدهای واقعی آن‌ها در مرحله اجراست؛ پدیده‌ای که به عنوان «شکاف پیاده‌سازی» شناخته می‌شود (پرسمن و ویلداسکی^۵، ۱۹۸۴؛ هیل و هوپ^۶، ۲۰۱۹). مطالعات کلاسیک و معاصر نشان می‌دهند که ناکامی سیاست‌ها الزاماً ناشی از ضعف در مرحله تدوین نیست، بلکه اغلب از کاستی‌های نهادی، محدودیت‌های اجرایی و ضعف هماهنگی میان بازیگران در فرایند پیاده‌سازی ناشی می‌شود. از این منظر، تمرکز صرف بر طراحی سیاست یا انتخاب ابزارهای خط‌مشی، بدون تحلیل نظام‌مند مرحله اجرا، تصویر ناقصی از عملکرد سیاست‌های عمومی ارائه می‌دهد و ضرورت توجه به چرخه کامل خط‌مشی‌گذاری را برجسته می‌سازد (هالت و رامش^۷، ۲۰۰۳).

دولت ایران در سال‌های اخیر بسته‌های حمایتی متعددی را در قالب قوانین مانند قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار (۱۳۹۰) و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله تدوین کرده است.

1. Small and Medium Enterprises

2. SMEs

3. GDP

4. OECD et al.

5. Pressman & Wildavsky

6. Hill & Hupe

7. Howlett & Ramesh

این خط‌مشی‌ها اهدافی چون تسهیل دسترسی به تأمین مالی، کاهش بارهای نظارتی، حمایت از صادرات و توسعه فناوری در SMEs را دنبال می‌کنند. با این حال، شواهد آماری و گزارش‌های پژوهشی حاکی از آن است که محیط کسب‌وکار ایران همچنان در رتبه‌های پایین در شاخص‌های بین‌المللی قرار دارد و مدیران SMEs چالش‌های جدی را در حوزه‌های مختلف گزارش می‌دهند (بانک جهانی، ۲۰۲۰).

با در نظر گرفتن ضرورت تاب‌آوری‌سازی اقتصادی بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs)، ارزیابی محیط سیاستی ایران حاکی از شکافی معنادار میان اهداف کلان و پیامدهای عینی است. این شکاف را می‌توان در مؤلفه‌های کلیدی «بهبود محیط سیاسی - قانونی پاسخ‌گو و نهادسازی» تحلیل کرد. در بُعد نهادی، نبود مرجع واحد ملی با مأموریت مصوب و اختیارات کافی (شاخص ۱/۱/۱) از یک سو و در بُعد حاکمیتی، عدم انسجام و یکپارچگی در ساختار سیاست‌گذاری و نظارت بر SMEها (شاخص ۱/۲/۱) از سوی دیگر، زمینه‌ساز ناکارآمدی نظام‌مند سیاست‌های حمایتی شده است. این چالش‌های ساختاری، علی‌رغم تصویب قوانین متعدد، به تداوم موانع اداری، رتبه پایین در شاخص‌های بین‌المللی فضای کسب‌وکار و تحقق محدود احکام حمایتی انجامیده و در عمل، دستیابی به بهبود ملموس و پایدار در شرایط فعالیت SMEها را با دشواری مواجه ساخته است. چنین وضعیتی، لزوم بازنگری بنیادین در مکانیسم‌های نهادسازی و حاکمیت سیاستی در بخش SMEها را به‌عنوان پیش‌نیاز تحقق تاب‌آوری اقتصادی پُررنگ می‌سازد. (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۴). این وضعیت بیانگر آن است که مسئله اصلی در این حوزه نه فقدان سیاست، بلکه ضعف سازوکارهای اجرایی، هماهنگی نهادی و ظرفیت پیاده‌سازی است؛ مسئله‌ای که تحلیل آن مستلزم تمرکز مستقیم بر شکاف پیاده‌سازی به‌عنوان کانون اصلی پژوهش حاضر است.

این عدم تطابق میان «مقصود خط‌مشی»^۸ و «نتیجه خط‌مشی»^۹ در ادبیات علوم سیاسی و مدیریت دولتی، «شکاف پیاده‌سازی» نامیده می‌شود (پرسمن و وایلدوفسکی^{۱۰}، ۱۹۸۴). در زمینه کسب‌وکار، این شکاف زمانی بروز می‌کند که قوانین و مقررات حمایتی طراحی شده در سطح کلان، به دلیل موانع اجرایی، به بهبود ملموس شرایط بنگاه‌ها منجر نمی‌شود. این مقاله با هدف تحلیل شکاف‌های خط‌مشی‌گذاری در بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک

8. Policy Intent

9. Policy Outcome

10. Pressman & Wildavsky

و متوسط و ارائه راهکارهای پیاده‌سازی، از مرور نظام‌مند و چهارچوب‌های نظری جریان‌های چندگانه کینگدون، چهارچوب‌های ائتلاف‌های حمایت‌گر، تحلیل نهادی و توسعه، حکمرانی خوب و حکمرانی شبکه‌ای بهره می‌گیرد. سؤال اصلی پژوهش این است: چگونه می‌توان شکاف‌های خطمشی‌های بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط را شناسایی و برای پیاده‌سازی مؤثر آن‌ها اقدام کرد؟ یافته‌ها حاکی از شکاف‌های خطمشی‌گذاری نظیر فقدان نهاد ملی هماهنگ‌کننده، ضعف شبکه‌سازی ذی‌نفعان و نبود چرخه کامل خطمشی‌گذاری است که در مقایسه با کشورهای موفق مانند ترکیه، کره جنوبی و آلمان مشهود است.

۲- مبانی نظری

در متون بین‌المللی، معمولاً فاصله بین اجرا و آنچه پیش‌بینی شده است (همان شکاف پیاده‌سازی^{۱۱}) را به سه سطح اصلی تقسیم می‌کنند: خطمشی، برنامه‌ریزی و اقدامات عملی (هیل و هوپ^{۱۲}، ۲۰۱۹). به همین خاطر، وقتی مدل‌های ارزیابی خطمشی بررسی می‌شود، باید حتماً به نتایج واقعی و عملیاتی توجه شود. پایه و اساس چهارچوب نظری این مطالعه روی تئوری‌های خطمشی عمومی و مدیریت دولتی استوار است و به‌طور خاص، از مدل‌هایی مثل ائتلاف‌های حمایتی (ACF^{۱۳})، رویکرد جریان‌های چندگانه کینگدون^{۱۴} (MSA^{۱۵}) و چهارچوب تحلیل نهادی و توسعه (IAD^{۱۶}) برای کاوش در شکاف‌های خطمشی‌گذاری در زمینه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط استفاده می‌کند. چرخه خطمشی‌گذاری که مراحل مختلفی مثل تنظیم دستور کار، تدوین خطمشی، اجرا، ارزیابی و بازبینی را در بر می‌گیرد، ابزاری مفید برای تجزیه و تحلیل فرایند خطمشی‌گذاری به حساب می‌آید (هالت و رامش^{۱۷}، ۲۰۰۳). مدل جریان‌های چندگانه کینگدون (MSA) روی هم‌زمانی سه جریان اصلی تمرکز دارد: مسائل، راه‌حل‌ها و خطمشی‌ها و علت شکست بعضی اصلاحات را توضیح می‌دهد؛ چون این جریان‌ها در لحظات کلیدی یا همان پنجره‌های فرصت با هم تلاقی نمی‌کنند (کینگدون، ۱۹۸۴). چهارچوب ائتلاف‌های حمایتی هم بیشتر به نقش شبکه‌های بازیگران

11. Implementation Gap

12. Hill & Hupe

13. Advocacy Coalition Framework

14. Kingdon

15. Multiple Streams Approach

16. Institutional Analysis and Development Framework

17. Howlett & Ramesh

در شکل‌گیری خط‌مشی‌ها می‌پردازد و نشان می‌دهد که نبود ائتلاف‌های محکم و پایدار بین دولت، بخش خصوصی و دیگر ذی‌نفعان، جلوی بهبود فضای کسب‌وکار برای SMEs را گرفته است (ساباتیر و جنکینز - اسمیت^{۱۸}، ۱۹۹۳). در چهارچوب تحلیل نهادی، قوانین و ساختارهای سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و یکی از مشکلات اصلی را نبود یک نهاد ملی هماهنگ‌کننده می‌دانند که مثل یک شکاف بزرگ عمل می‌کند (اوستروم^{۱۹}، ۱۹۹۰). علاوه بر این، رویکردهای مدیریت دولتی مثل مدیریت دولتی نوین^{۲۰} که روی کم کردن بوروکراسی تأکید دارد، حکمرانی خوب با محوریت شفافیت، کارایی و حکمرانی شبکه‌ای که تعاملات بین بخش‌های مختلف را اولویت می‌دهد، در این مطالعه به کار گرفته شده‌اند (هود^{۲۱}، ۱۹۹۱؛ برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ۱۹۹۷؛ رودز^{۲۲}، ۱۹۹۷). تنظیم‌گری هوشمند هم به استفاده از فناوری‌های مبتنی بر داده برای خط‌مشی‌گذاری سریع و انعطاف‌پذیر اشاره دارد (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۲). این مدل‌ها در مجموع، امکان بررسی همه‌جانبه محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران از جنبه‌های اقتصادی و نهادی گرفته تا بازار و فناوری را فراهم می‌کنند و پایه‌ای برای تحلیل شکاف‌های خط‌مشی‌گذاری، مثل نبود یک چرخه کامل و پیوسته در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایجاد می‌کند.

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- مطالعات خارجی

بادولسکو و همکاران^{۲۳} (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای به بررسی رابطه میان پویایی بخش SME و کیفیت محیط کسب‌وکار پرداخته‌اند. این مطالعه نشان می‌دهد که اگرچه یک رابطه مثبت میان این دو متغیر وجود دارد، اما همبستگی به‌دست‌آمده در سطح متوسط باقی می‌ماند. این به این معناست که بهبود محیط کسب‌وکار نمی‌تواند به‌طور خودکار و تضمین‌شده منجر به رشد کمی و توسعه پایدار در بخش SMEها شود. به‌ویژه، این یافته‌ها بر پیچیدگی شکاف پیاده‌سازی و مشکلات اجرایی موجود در سیاست‌های حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تأکید می‌کنند. این شکاف‌ها نشان‌دهنده آن هستند که به‌جای صرفاً ایجاد تغییرات

18. Sabatier & Jenkins-Smith

19. Ostrom

20. NPM

21. Hood

22. Rhodes

23. Badulescu et al.

در محیط کسب‌وکار، نیاز به خط‌مشی‌های هدفمند و کارآمدتر وجود دارد تا بتوانند به‌طور مؤثر بر رشد بخش SME تأثیر بگذارند.

بارال و همکاران^{۲۴} (۲۰۲۳) در تحقیقی با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری SME، به بررسی عوامل مؤثر بر پایداری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط پرداختند. در این مطالعه، داده‌های پرسش‌نامه‌ای از ۲۹۶ کسب‌وکار کوچک و متوسط در زمینه پذیرش اقتصاد چرخشی مبتنی بر صنعت ۴/۰ گردآوری شد و چهار متغیر واسطه (عملکرد اقتصادی، عملکرد زیست‌محیطی، عملکرد اجتماعی و عملکرد عملیاتی) به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده اصلی پایداری تعیین شدند. یافته‌ها نشان داد پذیرش هم‌زمان صنعت ۴/۰ و رویکرد اقتصاد چرخشی، اثربخشی بالایی در بهبود عملکرد پایداری SME‌ها دارد و هر چهار مؤلفه واسطه به‌طور معنادار بر پایداری تأثیر مثبت دارند. این نتایج نه‌تنها اهمیت فناوری و نوآوری را در ارتقای پایداری SME‌ها برجسته می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که برای تحقق پایداری در SME‌ها باید سیاست‌های حمایتی و مدیریتی، به‌ویژه در زمینه استفاده از فناوری‌های نوین و رویکردهای چرخشی، در طراحی خط‌مشی‌های بخش خصوصی و عمومی به کار گرفته شوند. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (a۲۰۲۲) به ارزیابی سیاست‌های تنظیمی و نقش نهادهای ملی هماهنگ‌کننده و ثبات در مقررات در بهبود محیط کسب‌وکار SMEs می‌پردازد. این گزارش تأکید می‌کند که ثبات مقررات و وجود سازوکارهای هماهنگی نهادی، پیش‌نیازهای کلیدی برای بهبود محیط کسب‌وکار هستند. گزارش OECD تأکید می‌کند که پایداری رشد SME‌ها مستلزم اصلاحات در سطح نهادهای ملی و هماهنگی میان بخش‌های مختلف دولتی است تا نظام‌های حمایتی قوی‌تری برای SMEs فراهم شود.

گزارش بانک جهانی (۲۰۲۰) در مورد تأثیرات بحران کووید ۱۹ بر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط به بررسی واکنش‌های کشورهای پیشرفته نظیر ژاپن و ایالات متحده پرداخته است. نتایج نشان می‌دهند که در این کشورها، حمایت‌های هدفمند از SMEs با استفاده از ابزارهای مالی نوآورانه و نظام قضایی تخصصی، به تقویت این بخش در برابر بحران‌های اقتصادی کمک کرده است. در ژاپن، نهادهای مالی دولتی با ارائه وام‌های با نرخ بهره صفر و ضمانت‌نامه‌های عمومی تا ۱۰۰٪ برای تأمین مالی SME، موجب شده‌اند که این بنگاه‌ها بدون نیاز به وثیقه‌های سنگین به منابع مالی دسترسی داشته باشند. این ابزارهای مالی نوآورانه در کنار

حمایت‌های قضایی و قانونی مستمر، توانسته‌اند SMEs را در برابر تحریم‌ها و بحران‌ها مقاوم کنند. در ایالات متحده نیز، دولت از طریق برنامه‌های حمایت مالی اضطراری و تسهیلات، کمک‌های قابل توجهی به SMEها ارائه کرده است. به علاوه، تسهیل روند دسترسی به منابع مالی و کاهش موانع اداری باعث شده است که بسیاری از SMEها در برابر بحران به پایداری اقتصادی برسند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که سیستم قضایی تخصصی در ایالات متحده نیز به تسهیل فرایندهای حقوقی و تجاری برای SMEها کمک کرده است و موجب شده است که این بنگاه‌ها بتوانند به‌طور مؤثرتری از منابع مالی و حمایتی استفاده کنند.

دورست و ادواردسون^{۲۵} (۲۰۱۲) نشان می‌دهند که ویژگی‌های سازمانی ذاتی SMEs که تفاوت بنیادی با شرکت‌های بزرگ دارند، به‌طور مستقیم بر چگونگی تولید، انتقال و به‌کارگیری دانش در این بنگاه‌ها تأثیر می‌گذارد. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به ساختارهای غیررسمی، روابط نزدیک و شخصی میان اعضای سازمان و محدودیت شدید منابع مالی و انسانی اشاره کرد. این ساختارها اگرچه می‌توانند باعث افزایش انعطاف‌پذیری و پاسخ‌گویی سریع به تغییرات محیطی شوند، اما در مدیریت دانش و نوآوری محدودیت‌های چندگانه‌ای نیز ایجاد می‌کنند. در این تحقیق تأکید شده است که ساختارهای غیررسمی و فقدان سیستم‌های رسمی مدیریت دانش در SMEها، علی‌رغم مزایایی مانند سرعت تصمیم‌گیری و نزدیکی ارتباطات در سطوح سازمانی، مانع شکل‌گیری ظرفیت‌های دانش‌محور پایدار می‌گردد؛ به عبارت دیگر، این خصوصیات سازمانی اگر بدون یک چهارچوب مدیریتی و نهادی مناسب تقویت‌کننده به کار گرفته شوند، نه تنها بهره‌وری دانش را افزایش نمی‌دهند، بلکه می‌توانند موجب کاهش کارایی فرایندهای نوآورانه و افت توان رقابتی SMEs شوند. به این ترتیب، این تحقیق نشان می‌دهد که نکته کلیدی برای تقویت SMEها، فراهم کردن سازوکارهای مؤثر برای مدیریت دانش رسمی، سرمایه‌گذاری در منابع انسانی متخصص و توسعه زیرساخت‌های تکنولوژیک است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهند که میانگین امتیاز شاخص برای بسیاری از کشورها زیر سطح مطلوب قرار دارد و در چندین بُعد کلیدی از جمله دسترسی به تأمین مالی، انتقال فناوری و بهبود شرایط کسب‌وکار شکاف‌های جدی مشاهده می‌شود. به‌طور خاص، بخش مالی، انتقال فناوری و آموزش کارآفرینی در سطح پایین‌تری از شاخص قرار داشته که نشان‌دهنده اثربخشی محدود سیاست‌ها در تحقق اهداف عملیاتی است. این نتیجه مؤید

آن است که علی‌رغم تدوین چهارچوب‌های سیاستی در سطح ملی و منطقه‌ای، اجرای آن‌ها در عمل با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو بوده و بهره‌مندی SMEها از حمایت در حوزه‌هایی مثل فناوری، تأمین مالی و خدمات تخصصی محدود بوده است. همچنین اختلافات میان کشورها در امتیازهای شاخص، نشان می‌دهد که برخی کشورها نتوانسته‌اند ساختارهای نهادی و اجرایی قدرتمندی برای پیاده‌سازی سیاست‌ها فراهم کنند که خود نشان‌دهنده شکاف بین طراحی و اجرای سیاست‌ها است. همچنین بر اساس نتایج پژوهش، اگرچه کشورها مجموعه‌ای از خط‌مشی‌ها و برنامه‌ها را برای توسعه و حمایت از SMEها ایجاد کرده‌اند، اما کارایی اجرای این سیاست‌ها به‌طور متوسط پایین بوده و نتایج ملموسی در حوزه‌های کلیدی مورد نیاز SMEها همچون دسترسی به منابع مالی، فناوری و خدمات حمایتی، به دست نیامده است. ساباتیر و ویبل^{۲۶} (۲۰۱۴) در چهارچوب نظری ائتلاف‌های حمایتی بیان می‌کنند که عدم برآورده شدن منافع و در نتیجه، عدم توافق میان بازیگران، کارایی خط‌مشی‌ها را به شدت کاهش می‌دهد. آن‌ها اشاره می‌کنند که در محیط‌های سیاسی پیچیده، بازیگران با باورهای عمیقاً متنوع، حتی در مواجهه با داده‌های تجربی مشابه، تفسیرهای متفاوتی از مشکلات و راه‌حل‌های سیاستی ارائه می‌دهند که این امر می‌تواند به تشتت خط‌مشی، کاهش انسجام در اجرا و ایجاد شکاف میان طراحی و اجرا منجر شود؛ به عبارت دیگر، زمانی که منافع ذی‌نفعان هم‌گرایی نداشته باشد، نه تنها فرایند شکل‌گیری سیاست با چالش مواجه می‌شود، بلکه پیاده‌سازی آن در عمل نیز کند یا ناکارآمد می‌شود. این تحلیل نظری، به‌خصوص در بررسی سیاست‌های مرتبط با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط اهمیت دارد، زیرا در بسیاری از زمینه‌ها، گروه‌های ذی‌نفع نظرات متعارضی درباره نحوه حمایت، منابع مالی، چهارچوب‌های قانونی و فرایندهای اجرایی دارند.

ترزوفسکی^{۲۷} (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای تجربی و مبتنی بر منبع‌محور^{۲۸} به بررسی تأثیر استراتژی نوآوری و ساختارهای رسمی بر عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در بخش تولید پرداخت. این تحقیق با بهره‌گیری از داده‌های میدانی و تحلیل‌های کمی نشان داد که بسیاری از SMEs تحت مالکیت و مدیریت واحد^{۲۹} عمل می‌کنند، به‌گونه‌ای که توانمندی‌ها و تجربیات شخص

26. Sabatier & Weible

27. Terziovski

28. Resource-Based View

29. Owner-Manager

مالک/مدیر نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های استراتژیک و اجرایی دارند. ترزیوفسکی دریافت که در SMEها، استراتژی نوآوری یکی از مهم‌ترین محرک‌های عملکرد است؛ به عبارت دیگر، شرکت‌هایی که نوآوری در محصول، فرایند و بازار را به‌صورت یک جزء استراتژیک در فعالیت‌های خود درآورده‌اند، عملکرد مالی و رقابتی به‌مراتب بهتری نسبت به دیگران داشته‌اند. اگرچه SMEها به‌دلیل ساختارهای کوچک و چابک خود در اجرای برخی نوآوری‌های عملیاتی انعطاف‌پذیری بیشتری دارند، اما نبود ساختارهای رسمی و سیستماتیک مدیریت دانش و نوآوری، یکی از موانع عمده در تحقق کامل پتانسیل نوآورانه آن‌ها است.

۳-۲- مطالعات داخلی

در ایران خط‌مشی‌گذاری عمدتاً بر تصویب قوانین متمرکز بوده و مطالعات داده‌محور محدود است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲). پژوهش حاضر با رویکردی نظام‌مند در پی پُر کردن این شکاف و ارائه تحلیلی جامع از خط‌مشی‌های بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط است. در ادامه، جزئیات مهم‌ترین پژوهش‌های داخلی صورت گرفته و نتایج آن‌ها تبیین می‌گردد.

محسنی کبیر و همکاران (۱۴۰۳) در مطالعه‌ای با رویکرد آمیخته^{۳۰} و با هدف تبیین مدل تاب‌آوری کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران نشان می‌دهند که عواملی همچون استراتژی، منابع اقتصادی، منابع انسانی، ویژگی‌های مدیریتی و تحقیق و توسعه در زمره قوی‌ترین عوامل مؤثر بر تاب‌آوری این کسب‌وکارها قرار دارند. همچنین، عواملی نظیر تحریم، ثبات سیاسی، ثبات اقتصاد کلان، حق مالکیت معنوی، ارتباطات سیاسی، نوسانات نرخ ارز و فراگیری مالی به‌عنوان متغیرهای گروه علت و تأثیرگذار شناسایی شده‌اند.

فرزانگان و حبیبی (۱۴۰۳) نیز در بررسی‌های خود اذعان داشته‌اند که شواهد تجربی نشان می‌دهند که تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی بر عملکرد صادراتی بنگاه‌ها و کارایی سیاست‌های تجاری در ایران تأثیر منفی گذاشته‌اند؛ به‌گونه‌ای که کاهش دسترسی به منابع ارزی، بازارهای بین‌المللی و زنجیره‌های ارزش جهانی باعث بروز اختلال در تجارت و کاهش توان صادراتی SMEها شده است. این اثرات منفی نه‌تنها از طریق کاهش تقاضای خارجی، بلکه از طریق پیچیدگی اجرای سیاست‌های حمایتی و ناهماهنگی نهادی در سطح بنگاه‌ها نیز قابل مشاهده است.

شهسواری و همکاران (۱۴۰۱) به شناسایی مؤلفه‌ها و شاخص‌های مدل ارزیابی خط‌مشی‌های صنعتی با رویکرد رونق تولید در خوشه‌های SME پرداختند. مؤلفه‌های کلیدی مدل آن‌ها شامل عوامل قانونی (تدوین مقررات عملیاتی، ممنوعیت خرید کالای مشابه خارجی)، حمایت از تولید داخل (حل موانع صادراتی)، سرمایه‌گذاری (هدایت سرمایه به صنایع دارای مزیت)، کنترل واردات و قاچاق (تعرفه‌گذاری هوشمند)، الزامات ارزیابی (سیستم مستقل ارزیابی) و دستاوردها (افزایش اشتغال و بهره‌وری) است.

رضایی مطلع و همکاران (۱۳۹۹) در تحلیل موانع محیط کسب‌وکار بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران نشان دادند که عوامل نهادی و بوروکراتیک مانند پیچیدگی صدور مجوزها، تعدد مراحل قانونی، عدم یکپارچگی میان قوانین دستگاه‌های مختلف و فرایندهای اداری زمان‌بر و ناسازگار از مهم‌ترین چالش‌ها برای فعالیت SMEها هستند. پژوهش تأکید می‌کند که چنین موانعی، علاوه بر اتلاف منابع زمانی و هزینه‌ای برای مدیران بنگاه‌ها، باعث کاهش توانایی بنگاه‌ها در بهره‌مندی از حمایت‌های سیاستی و تقویت توان رقابتی آن‌ها می‌شود، مسئله‌ای که به‌وضوح با مفهوم «شکاف پیاده‌سازی» در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی هم‌راستا است، زیرا ضعف در قابلیت اجرا و هماهنگی نهادی، اهداف رسمی سیاست‌ها را به نتایج عملی مطلوب تبدیل نمی‌کند.

قاسمی (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای موردی درباره نقش تسهیلات بانکی در بهبود عملکرد کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در شهرک صنعتی شمس‌آباد تهران نشان می‌دهد که اگرچه نظام بانکی به‌طور رسمی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی حمایت از SMEها تعریف شده است، اما در عمل، فرایندهای پیچیده و زمان‌بر اعطای تسهیلات، الزام به وثایق سنگین و عدم تناسب نرخ سود با توان بازپرداخت بنگاه‌ها موجب شده است بخش قابل توجهی از این واحدها نتوانند از حمایت‌های مالی موجود بهره‌مند شوند. یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که ضعف در سازوکارهای اجرایی نظام تأمین مالی، موجب شکل‌گیری فاصله‌ای معنادار میان اهداف سیاست‌های حمایتی و نتایج عملی آن‌ها شده و ظرفیت رشد و پایداری SMEها را به‌طور جدی محدود کرده است. این نتایج مؤید آن است که بدون اصلاح مکانیسم‌های اجرایی شبکه بانکی، سیاست‌های حمایتی مالی صرفاً در سطح اسناد باقی مانده و به کاهش شکاف پیاده‌سازی منجر نخواهند شد.

منوریان و همکاران (۱۳۹۱) با بهره‌گیری از رویکرد نظریه‌پردازی داده‌بنیاد در تحلیل

خط‌مشی‌های توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران نشان می‌دهند که ناکارآمدی سیاست‌ها بیش از آنکه ناشی از فقدان قوانین یا ابزارهای حمایتی باشد، ریشه در ضعف سازوکارهای اجرایی، پراکندگی نهادی و محدود بودن مشارکت ذی‌نفعان دارد. یافته‌های این مطالعه بیانگر آن است که نبود نهاد هماهنگ‌کننده واحد، عدم انسجام میان دستگاه‌های اجرایی و فقدان کانال‌های مؤثر تعامل دولت با بخش خصوصی، موجب می‌شود سیاست‌های مصوب در مرحله اجرا به نتایج مورد انتظار منجر نشوند. نویسندگان تأکید می‌کنند که بدون تقویت ظرفیت پیاده‌سازی، ایجاد سازوکارهای مشارکتی با تشکلهای صنفی و نهادینه‌سازی یادگیری سیاستی، حتی سیاست‌های دارای پشتوانه قانونی نیز با شکاف معنادار میان اهداف اعلامی و پیامدهای عملی مواجه خواهند شد؛ نکته‌ای که با مفهوم «شکاف پیاده‌سازی» در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی هم‌خوانی دارد.

۳-۳- جمع‌بندی پیشینه پژوهش

مرور نظام‌مند ادبیات مرتبط با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نشان می‌دهد که اگرچه توافق گسترده‌ای درباره نقش محوری این بنگاه‌ها در اشتغال‌زایی، نوآوری و رشد اقتصادی وجود دارد، اما این اجماع نظر به‌طور کامل به طراحی و اجرای مؤثر خط‌مشی‌های حمایتی منجر نشده است. بخش عمده‌ای از مطالعات بین‌المللی، SMEs را به‌عنوان ستون فقرات اقتصادهای مدرن معرفی کرده و بر اهمیت بهبود محیط کسب‌وکار برای ارتقای بهره‌وری و تاب‌آوری اقتصادی تأکید دارند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۱۹؛ بانک جهانی، ۲۰۰۴). با این حال، این ادبیات غالباً در سطح تبیین کارکردهای اقتصادی باقی مانده و کمتر به چگونگی ترجمه این اهداف به سازوکارهای نهادی و اجرایی پرداخته است. شواهد بین‌المللی اخیر نشان می‌دهد که تمرکز سیاست‌ها بر طراحی ابزارهای حمایتی، بدون تقویت ظرفیت‌های اجرایی و نهادی، یکی از عوامل اصلی ناکامی سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار SMEs بوده است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳a).

در مطالعات مرتبط با سیاست‌های بهبود محیط کسب‌وکار، تمرکز اصلی عمدتاً بر طراحی خط‌مشی‌ها بوده و مرحله پیاده‌سازی به‌عنوان یک متغیر مستقل و پیچیده کمتر مورد تحلیل قرار گرفته است. در نتیجه، بسیاری از توصیه‌های سیاستی، ماهیتی کلی، تجویزی و غیرزمینه‌مند دارند و قادر به توضیح چرایی ناکامی سیاست‌ها در عمل نیستند. این ضعف تحلیلی به‌ویژه در

کشورهای در حال توسعه که با محدودیت‌های نهادی، بوروکراسی پیچیده و چندپارگی ساختار حکمرانی مواجه‌اند، برجسته‌تر می‌شود. شواهد اخیر نشان می‌دهد که سیاست‌های حمایتی SMEs در مواجهه با شوک‌های اقتصادی و بحران‌های هم‌زمان، از انعطاف‌پذیری و ظرفیت تطبیقی کافی برخوردار نبوده‌اند (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳b).

ادبیات داخلی نیز عمدتاً بر شناسایی موانع محیط کسب‌وکار، از جمله بی‌ثباتی مقررات، محدودیت‌های مالی، بوروکراسی اداری، ضعف زنجیره تأمین و اثرات تحریم‌ها متمرکز بوده است. اگرچه این پژوهش‌ها تصویری نسبتاً دقیق از مشکلات SMEs در ایران ارائه می‌دهند، اما غالباً فاقد یک چهارچوب تحلیلی منسجم برای پیوند دادن این موانع با فرایند خط‌مشی‌گذاری هستند.

همچنین شواهد اخیر نشان می‌دهد که اولویت‌های SMEs در سال‌های اخیر به سمت دیجیتال‌سازی، نوآوری و پایداری تغییر یافته، درحالی‌که بسیاری از سیاست‌های حمایتی همچنان بر ابزارهای سنتی متمرکز مانده‌اند؛ ناهم‌ترازی‌ای که به کاهش اثربخشی سیاست‌ها و تداوم شکاف میان اهداف و نتایج عملی منجر شده است (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۳c).

به بیان دیگر، اینکه «چه چیزی مشکل است» به‌خوبی تشخیص داده شده، اما «چرا خط‌مشی‌ها در رفع این مشکلات ناکام می‌مانند»، کمتر به‌صورت نظام‌مند تحلیل شده است. از منظر روش‌شناختی، بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین یا به رویکردهای توصیفی و مقطعی بسنده کرده‌اند یا از روش‌های کمی منفرد استفاده نموده‌اند. این در حالی است که ماهیت چندبُعدی محیط کسب‌وکار SMEs و تنوع بازیگران در فرایند خط‌مشی‌گذاری، نیازمند رویکردهای آمیخته و تحلیل‌های چندسطحی است. مطالعاتی که از ترکیب روش‌های کیفی (مانند مصاحبه‌های عمیق و تحلیل نهادی) و کمی (مانند مدل‌سازی ساختاری یا تکنیک‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره) استفاده کرده‌اند، همچنان محدود بوده و اغلب به مرحله تبیین عوامل بسنده کرده‌اند، نه تحلیل روابط علی در فرایند اجرا.

در ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی، مفهوم «شکاف پیاده‌سازی» برای تبیین فاصله میان اهداف مصوب و نتایج واقعی سیاست‌ها به‌طور گسترده به کار رفته است (پرسمن و ویلداسکی، ۱۹۸۴). با این حال، کاربرد این مفهوم در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار SMEs، به‌ویژه در زمینه اقتصادهای تحریم‌شده و دارای حکمرانی چندپاره، همچنان محدود باقی مانده است. بخش

قابل توجهی از پژوهش‌ها به مرحله تصویب قوانین و برنامه‌ها توجه داشته و مراحل اجرا، هماهنگی نهادی و ارزیابی اثربخشی سیاست‌ها یا نادیده گرفته شده‌اند یا به‌صورت پراکنده بررسی شده‌اند.

درمجموع، پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که علی‌رغم غنای ادبیات در شناسایی اهمیت SMEs و فهرست کردن چالش‌های محیط کسب‌وکار، خلأ معناداری در تحلیل یکپارچه شکاف‌های خط‌مشی‌گذاری و پیاده‌سازی وجود دارد. این خلأ به‌ویژه در نبود نهاد هماهنگ‌کننده، ضعف شبکه‌سازی میان ذی‌نفعان و فقدان چرخه کامل خط‌مشی‌گذاری نمود می‌یابد؛ بنابراین، تمرکز بر تحلیل شکاف‌های اجرایی و ارائه چهارچوب‌هایی مبتنی بر حکمرانی نهادی و شبکه‌ای، به‌عنوان یک ضرورت پژوهشی و سیاستی در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار SMEs مطرح می‌شود.

در مقیاس جهانی، تحولات چشمگیری در جهت بهبود فضای کسب‌وکار انجام شده است. بااین‌حال، در ایران، به‌ویژه در شرایط فعلی اقتصادی و سیاسی، بسیاری از مدل‌های جهانی نتوانسته‌اند به‌طور مؤثر در بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تأثیرگذار باشند. این شکاف در پیشینه‌ها، از یک‌سو، به‌واسطه عدم توجه کافی به چالش‌های خاص ایران و از سوی دیگر، به‌خاطر کمبود مطالعات جامع و بومی‌شده در این حوزه است.

۴- مفهوم‌شناسی

بررسی‌های نظام‌مند نشان می‌دهد که شکاف میان «تصویب» و «پیاده‌سازی» خط‌مشی‌های حمایتی کسب‌وکارهای کوچک در ایران ساختاری و نهادی است؛ به‌گونه‌ای که حتی قوانین بالادستی مانند «قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار» (۱۳۹۰) یا احکام صریح برنامه‌های چهارم تا هفتم توسعه، در عمل با نرخ تحقق زیر ۳۰ درصد همراه بوده‌اند (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳). دلایل اصلی عدم اجرا در جدول شماره (۱) طبقه‌بندی شده‌اند.

جدول (۱): علل عدم پیاده‌سازی خط‌مشی‌های مرتبط با کسب‌وکارهای کوچک

دسته	مهم‌ترین علل	شواهد و ارقام
الف) نهادی	فقدان نهاد هماهنگ‌کننده، تعدد مراجع تصمیم‌گیر (۹ وزارتخانه و ۱۴ سازمان) و هم‌پوشانی قوانین	طبق گزارش اتاق ایران (۱۴۰۳) متوسط زمان صدور مجوز برای یک SME ساده ۷۲ روز و هزینه مبادله ۲/۸ برابر میانگین OECD است.
ب) مالی	تخصیص کمتر از ۴۰٪ از سقف بودجه مصوب صندوق نوآوری، عدم ایجاد ابزارهای جایگزین (کرافاندینگ، رگ‌تک)	در سال ۱۴۰۲ از ۱۸ هزار میلیارد تومان سهم SME در تبصره ۱۸، فقط ۶/۸ هزار میلیارد تومان (۳۷٪) تخصیص یافت.
ج) اطلاعاتی - پایشی	نبود سامانه یکپارچه اطلاعات SME، اتکا به آمارهای نقطه‌ای و غیرقابل تطبیق	مرکز آمار ایران هنوز «تعریف واحد» از SME (تعداد نیروی کار، میزان فروش) ارائه نکرده؛ همین خلأ باعث شده است ۳ تعریف موازی در بانک مرکزی، وزارت صمت و معاونت علمی وجود داشته باشد.
د) فرهنگی - رفتاری	اولویت‌بندی مبتنی بر «رانت‌جذبی» به جای «شایستگی فنی»، ضعف اعتماد بخش خصوصی به وعده‌های دولتی	در پیمایش ۱۴۰۲ اتاق ایران، ۷۸٪ SMEs اعلام کرده‌اند «به حمایت‌های اعلامی خوش‌بین نیستند».

منبع: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳

۴-۱- چالش‌های کسب و کارهای کوچک

ادبیات موجود بر چالش‌های کسب‌وکارهای کوچک تمرکز دارد. چالش‌های کلیدی شامل دسترسی محدود به منابع مالی (۵۲/۵ درصد کسب‌وکارهای کوچک)، رقابت ناعادلانه با شرکت‌های بزرگ دولتی و کمبود نوآوری است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳). مدل‌های بین‌المللی مانند سازمان توسعه و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ترکیه^{۳۱} و سازمان توسعه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط مالزی^{۳۲} (با تمرکز بر زنجیره ارزش جهانی) الگوهای بین‌المللی برای بهبود محیط کسب‌وکار، بر «انسجام نهادی» و «ظرفیت اجرا» تأکید دارند. در ایران، اگرچه قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار (۱۳۹۰) و نهادهایی مانند صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک به‌عنوان گام‌های سیاستی اولیه شکل گرفته‌اند، اما گزارش‌های نظارتی و تحلیلی نشان می‌دهد که ضعف در اجرا، هماهنگی بین دستگاهی و تضمین اجرا موجب شده است اهداف سیاست‌ها به نتایج عملی متناظر تبدیل نشود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲).

31. Kosgeb

32. SME Corp

به‌صورت کلی ادبیات جهانی بر نوآوری و بین‌المللی‌سازی کسب‌وکارهای کوچک متمرکز است، درحالی‌که پژوهش‌های داخلی بیشتر به موانع سنتی مانند مشکلات مالی و نهادی پرداخته‌اند. پژوهش‌های بین‌المللی بر تنوع مالی و چندسویی سرمایه با ابزارهای نوین تأکید دارند و پژوهش‌های داخلی همچنان «کمبود سرمایه» را به‌عنوان یک «مسئله کمی» مطرح می‌کنند و راه‌حل را عمدتاً در «افزایش تسهیلات بانکی» می‌بینند که در اینجا شکاف اصلی، عدم ورود به «رویکردهای نوین تأمین مالی» است و در نتیجه خط‌مشی‌گذار داخلی «ابزار» را محدود به «وام ارزان» می‌بیند و بازارهای موازی نوین شکل نمی‌گیرد.

حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان رویکردی برای مدیریت روابط پیچیده بین ذی‌نفعان مختلف در اکوسیستم کسب‌وکار، به‌ویژه برای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، در ادبیات جهانی و ایرانی مورد توجه قرار گرفته است. در سطح بین‌المللی، مطالعات نشان داده‌اند که حکمرانی شبکه‌ای با تأکید بر همکاری افقی، اشتراک منابع و هماهنگی بین سازمانی، می‌تواند نوآوری و رقابت‌پذیری SMEs را در زنجیره‌های تأمین جهانی تقویت کند (پرووان و کنیس^{۳۳}، ۲۰۰۸؛ جونز و همکاران^{۳۴}، ۲۰۱۶). این رویکرد به SMEs امکان می‌دهد تا از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی، محدودیت‌های منابع و دسترسی به بازار را کاهش دهند. در ایران، پژوهش‌ها بر نقش حکمرانی شبکه‌ای در کاهش چالش‌های نهادی مانند تحول دیجیتال شامل روابط بین سازمانی، اعتماد و شفافیت، بستر دموکراتیک، ساختار شبکه تأکید دارند، به‌ویژه در صنایع دارای فناوری‌های پیشرفته که شبکه‌سازی کارآفرینانه برای توسعه بازار و تولید دانش‌بنیان حیاتی است (مهرابی شرف‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۳). با این حال، کمبود مطالعات تجربی در زمینه کاربرد عملی حکمرانی شبکه‌ای در SMEs ایرانی، شکاف پژوهشی قابل توجهی را نشان می‌دهد. این تفاوت‌ها مبنای تحلیل شکاف‌های خط‌مشی‌گذاری با استفاده از چهارچوب‌های ائتلاف‌های حمایتگر، جریان‌های چندگانه کینگدون و تحلیل نهادی و توسعه قرار گرفته‌اند. در جدول شماره (۲) این مقایسه نشان داده شده است.

33. Provan & Kenis

34. Jones et al.

جدول (۲): مقایسه پژوهش‌های داخلی و بین‌المللی

محور	پژوهش‌های بین‌المللی	پژوهش‌های داخلی	شکاف اصلی
اقتصادی	تنوع مالی (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۲b)	کمبود سرمایه (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳)	تمرکز بر رویکرد سنتی بدون روش‌های نوین
نهادی	شفافیت (دیجانکوف و همکاران، ۲۰۰۶)	تعدد قوانین (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲)	ضعف اجرا و هماهنگی
بازار	زنجیره ارزش جهانی (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و همکاران، ۲۰۱۹)	موانع صادراتی (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳)	عدم ادغام جهانی
فناوری	نوآوری دیجیتال (مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۲۵)	ضعف استقبال از نوآوری (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳)	غفلت از دیجیتال‌سازی

منبع: یافته‌های پژوهش

- محور اقتصادی: ادبیات جهانی بر تنوع ابزارهای تأمین مالی تأکید دارد (بک و دمیرگوس - کونت^{۳۵}، ۲۰۰۶؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۲۲b). در ایران، کمبود سرمایه در گردش مانع اصلی توسعه کسب‌وکارهای کوچک است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۱۴۰۳).

- محور نهادی و حقوقی: شفافیت نهادی و قواعد پایدار برای موفقیت کسب‌وکارهای کوچک ضروری است (دیجانکوف و همکاران^{۳۶}، ۲۰۰۶). در ایران، تعدد قوانین و ضعف در اجرای آن‌ها چالش‌های کلیدی هستند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۲).

- محور بازار و تجارت: سیاست‌ها باید بهتر با نیازهای SMEs هم‌راستا شوند تا به بهبود بهره‌وری، افزایش توان صادراتی و ادغام در بازارهای جهانی کمک کنند (سازمان توسعه و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ترکیه، ۲۰۱۹). در ایران، موانع ارزی و گمرکی دسترسی کسب‌وکارهای کوچک به بازارهای بین‌المللی را محدود کرده است (اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران، ۲۰۲۴).

- محور فناوری و نوآوری: نوآوری به‌عنوان موتور محرک بهره‌وری شناخته می‌شود

35. Beck & DemirgüçKunt

36. Djankov et al.

(مجمع جهانی اقتصاد و اکسپنتر^{۳۷}، ۲۰۲۵). در ایران، توجه به نوآوری و دیجیتالی‌سازی در کسب‌وکارهای کوچک و متوسط نسبت به پتانسیل بالقوه آن‌ها محدود باقی مانده است، به گونه‌ای که مطالعات تجربی اخیر بر ضرورت توجه بیشتر به ابعاد فناوری اطلاعات و نوآوری در SMEs تأکید دارند (آرمین کیا و همکاران، ۱۴۰۴).

۴-۱-۱- پیچیدگی و تعدد قوانین

قوانین متعددی که بر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط تحمیل می‌شود، از ثبت و دریافت مجوزها تا پرداخت مالیات و بیمه تأمین اجتماعی را در بر می‌گیرد. این گستردگی قانونی باعث می‌شود هر کسب‌وکار کوچک بر اساس حوزه فعالیت خود با چندین نهاد مواجه باشد که هرکدام تفسیر و رویه‌ای متفاوت دارند.

تعدد مجوزهای صنفی، صنعتی و بهداشتی برای یک کسب‌وکار واحد را می‌توان به عنوان نمود این پیچیدگی و تعدد قوانین برشمرد.

۴-۱-۲- تغییرات مکرر در نرخ مالیات و ضوابط بیمه

الزام به گزارش‌دهی جداگانه به سازمان‌های مختلف (اتاق بازرگانی، سازمان تأمین اجتماعی، شهرداری و...)، نتیجه این پیچیدگی، افزایش هزینه‌های اداری، سردرگمی کارآفرینان و ائتلاف زمان است که توان رقابتی بنگاه‌های کوچک را کاهش می‌دهد.

۴-۱-۳- فساد و سلیقه‌ای عمل کردن

فرایندهای صدور مجوز و نظارت در بسیاری از موارد فاقد شفافیت بوده و به تصمیمات فردی مأموران اجرایی وابسته است. این موضوع علاوه بر ایجاد رانت برای برخی فعالانِ دسترسی‌دار، هزینه‌های پنهان و تأخیرهای طولانی را به بنگاه‌ها تحمیل می‌کند.

- اِعمال هزینه‌های اضافی تحت عناوین «رشوه»، «حق السکوت» یا خدمات تسریع؛

- صدور بخشنامه یا دستورالعمل‌های شفاهی متناقض؛

- نبود سازوکار روشن برای اعتراض یا بازنگری تصمیمات اداری.

آسیب اصلی این وضعیت، از بین رفتن اعتماد کارآفرینان به سازوکارهای رسمی و سوق پیدا کردن آن‌ها به حلقه‌های غیررسمی برای حل مشکلات اداری است.

۴-۱-۴- فقدان متولی واحد

در ایران چندین دستگاه - وزارت صمت، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، بانک مرکزی، اتاق بازرگانی و سازمان‌های استانی - هر یک بخشی از بار خط‌مشی‌گذاری و حمایت از کسب‌وکارهای کوچک را بر عهده دارند. این توزیع وظایف بدون وجود یک نهاد هماهنگ‌کننده مرکزی باعث ایجاد موارد زیر می‌شود:

- تدوین خط‌مشی‌های موازی و گاه متضاد؛
 - چندباره کاری در تولید گزارش‌ها و شاخص‌های عملکرد؛
 - هدررفت منابع مالی و انسانی در اجرای برنامه‌های جزیره‌ای.
- در غیاب یک نقشه راه ملی و کمیته راهبری متمرکز، بنگاه‌های کوچک اطلاعات لازم برای ارتباط مؤثر با هر نهاد را ندارند و در درازمدت، بهره‌وری کل اکوسیستم کسب‌وکار کاهش می‌یابد.

۴-۱-۵- آموزش

بسیاری از کسب‌وکارهای کوچک از قوانین زیست‌محیطی مربوطه ناآگاه بوده و در مورد منافع تجاری بهبودهای زیست‌محیطی تردید دارند. آموزش و یادگیری از طریق همتایان برای افزایش آگاهی و ایجاد انگیزه در شیوه‌های پایدار ضروری است (کاستاچ و همکاران^{۳۸}، ۲۰۲۱). کنترل این مؤلفه‌ها از طریق ساده‌سازی قوانین، دیجیتالی‌سازی فرایندها، شفافیت در صدور مجوزها و تعیین یک متولی واحد در سطوح کلان می‌تواند زمینه را برای رشد پایدار و رقابت‌پذیری SMEs در ایران فراهم کند.

جدول (۳): قوانین و نهادهای کلیدی پشتیبان کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران

نهاد/قانون	هدف اصلی	مکانیسم حمایت	مهم‌ترین چالش‌ها (در مواجهه با این نهاد/قانون)
سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران ^{۳۹} (ISIPO)	متولی اصلی توسعه SMEs، ارائه خدمات زیرساختی و غیرمالی.	فراهم کردن زیرساخت‌های فیزیکی (شهرک‌های صنعتی)، خدمات آموزشی، مشاوره‌ای، فنی و بازاریابی.	ضعف در تخصیص عادلانه خدمات به دلیل تمرکز بر مناطق توسعه‌یافته‌تر؛ نیاز ناکافی به خدمات مشاوره‌ای در مقابل مشکلات کلان اقتصادی.
صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک ^{۴۰}	تسهیل دسترسی SMEs به تسهیلات بانکی و کاهش ریسک بانک‌ها.	تضمین بازپرداخت اصل و سود تسهیلات اعطایی بانک‌ها (تا ۷۰٪).	سرمایه ناکافی صندوق در مقایسه با حجم نیاز SMEs؛ عدم تمایل بانک‌ها به پذیرش ضمانت‌نامه‌ها به دلیل بوروکراسی و ریسک بالای تسهیلات کلان.
صندوق کارآفرینی امید ^{۴۱}	حمایت از ایجاد اشتغال و کارآفرینی در مقیاس کوچک و خرد.	اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه و سرمایه در گردش.	محدودیت سقف تسهیلات برای طرح‌های توسعه‌ای بزرگ؛ اثرپذیری شدید از نوسانات تورمی و کاهش ارزش واقعی تسهیلات.
قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری ^{۴۲}	ارتقای تولید و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق کم‌برخوردار و روستایی.	تخصیص منابع از صندوق توسعه ملی برای اعطای تسهیلات.	انحراف منابع از اهداف اصلی (مصرف در غیر طرح‌های مصوب)؛ پیچیدگی فرایند دریافت تسهیلات برای روستاییان کم‌سواد؛ دوره بازپرداخت کوتاه نسبت به ماهیت طرح‌های تولیدی.
قانون برنامه ششم توسعه (ماده ۲۷) ^{۴۳}	تقویت اقتصاد روستایی و افزایش اشتغال‌زایی.	ایجاد تکلیف برای دولت و دستگاه‌ها در راستای حمایت از اقتصاد روستایی.	ماهیت کلی و عدم ضمانت اجرایی قوی؛ فقدان منابع مالی اختصاصی و پایدار برای اجرای برنامه‌ها.

منبع: یافته‌های پژوهش

۳۹. اساسنامه سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=17844019432425962869>

۴۰. اساسنامه صندوق ضمانت سرمایه‌گذاری صنایع کوچک

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=1072822519781871741>

۴۱. اساسنامه صندوق کارآفرینی امید

<https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=12870602534157908787>

42. Available at: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=12468052348194077659>

43. Available at: <https://qavanin.ir/Law/TreeText/?IDS=6692614242613958019>

۵- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ گردآوری داده‌ها، توصیفی و از نظر هدف، کاربردی با رویکرد آمیخته (کیفی و کمی و به روش دلفی فازی) است. در فاز کیفی، ابتدا با استفاده از روش دلفی فازی و بررسی مطالعات قبلی در حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، مهم‌ترین شکاف‌های خط‌مشی‌های مرتبط با کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شناسایی و پرسش‌نامه حاصل از بررسی متون طراحی گردید. روش دلفی که از مهم‌ترین و پُرکاربردترین تکنیک‌هایی است که در زمینه جمع‌آوری نظرات و اطلاعات به‌صورت کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد و برای تصمیم‌گیری‌های مهم در شناخت عوامل و کمی کردن نظرات معتبر است. بر اساس چهارچوب نظری ارائه‌شده، مراحل انجام روش دلفی به‌صورت زیر است:

- انتخاب نمونه‌ای از خبرگان؛
- تنظیم پرسش‌نامه دلفی و ارسال آن برای خبرگان؛
- جمع‌آوری دیدگاه خبرگان و محاسبه میانگین نظرات آن‌ها؛
- تعیین شدت آستانه و حذف و اضافه شاخص‌ها؛
- تنظیم پرسش‌نامه دور دوم و افزودن میانگین نتایج راند اول؛
- گردآوری پرسش‌نامه‌ها، تحلیل و ادامه راندها؛
- انتخاب سازوکاری پایان راندهای دلفی (حبیبی و همکاران^{۴۴}، ۲۰۱۴).

از آنجایی که پیمایش‌های روش دلفی هم در پرسش‌ها و هم در پاسخ‌ها دارای مقداری ابهام معنایی هستند؛ بنابراین برای جمع‌آوری نظرات کارشناسان در اعداد فازی از توزیع فراوانی تجمعی و امتیازدهی فازی استفاده شد. این روش در سال ۱۹۹۳ توسط ایشیکاوا و همکارانش^{۴۵} ارائه گردید (ایشیکاوا و همکاران^{۴۶}، ۱۹۹۳). در اینجا از تابع شباهت برای ارزیابی میزان توافق بین دو خبره و سپس از ضریب اجماع برای استخراج ارزش ارزیابی فازی همه خبرگان استفاده می‌شود. روایی محتوایی پرسش‌نامه، از طریق تعدادی از خبرگان به دست آمد. آلفای کرونباخ پرسش‌نامه در دور اول مقدار ۰/۸۳ و در دور دوم مقدار ۰/۸۶ است که نشان از پایایی پرسش‌نامه دارد. برای فازی‌سازی نظرات خبرگان و تبدیل پاسخ‌های زبانی به مقادیر عددی فازی، از اعداد مثلثی فازی استفاده شد که در ادبیات تصمیم‌گیری فازی به‌ویژه

44. Habibi et al.

45. Ishikawa et al.

46. Ishikawa et al.

در رویکردهای فازی دلفی روشمند شده است (چن و هوانگ^{۴۷} ۱۹۹۲).

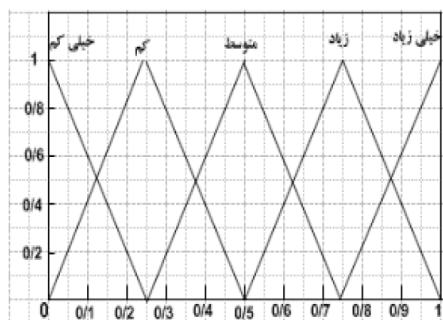
دلیل انتخاب روش فازی مثلثی به این دلیل است که محاسبات ساده تر و کاراتر انجام می شود و همچنین ابهام موجود در درك مشترك از نظرات خبرگان را حل می کند. ابتدا میانگین اعداد فازی به دست آمد و در نهایت میانگین قطعی محاسبه شد. مطابق ادبیات روش شناختی تصمیم گیری فازی، برای تبدیل ارزیابی های کلامی خبرگان در مقیاس لیکرت پنج درجه ای به مقادیر کمی، از اعداد فازی مثلثی^{۴۸} استفاده می شود. در این رویکرد، هر متغیر زبانی (مانند «خیلی کم» تا «خیلی زیاد») به یک سه تایی نگاشت می شود که به ترتیب نشان دهنده حد پایین، مقدار محتمل (مرکزی) و حد بالای عضویت هستند.

برای تبدیل اعداد فازی مثلثی به مقدار قطعی^{۴۹} می توان از روش های استاندارد فازی زدایی استفاده کرد؛ از رایج ترین روش ها، روش مرکز ثقل^{۵۰} است که مقدار قطعی را به صورت میانگین سه مؤلفه مثلثی محاسبه می کند:

$$X = \frac{l + m + u}{3} \quad (۱)$$

این روش به دلیل سادگی محاسبات و سازگاری با مقیاس های لیکرت، در بسیاری از مطالعات فازی مبتنی بر نظر خبرگان به عنوان روش فازی زدایی به کار گرفته می شود.

شکل (۱): تعریف متغیرهای زبانی



منبع: ماستروچینکوئه و همکاران^{۵۱} (۲۰۲۲)

47. Chen & Hwang

48. Triangular Fuzzy Numbers

49. Defuzzification

50. Centroid / Center of Area

51. Mastrocinque et al.

جدول (۴): جدول اعداد فازی مثلثی

متغیر پاسخ	اعداد فازی مثلثی
خیلی زیاد	(۱, ۱, ۰/۷۵)
زیاد	(۱, ۰/۷۵, ۰/۵)
متوسط	(۰/۷۵, ۰/۵, ۰/۲۵)
کم	(۰/۵, ۰/۲۵, ۰)
خیلی کم	(۰/۲۵, ۰, ۰)

منبع: ماستروچینکوئه و همکاران (۲۰۲۲)

پس از شناسایی مؤلفه‌ها، جهت دستیابی به اجماع نظر خبرگان در مورد صحت متغیرهای شناسایی شده از تکنیک دلفی فازی استفاده شد. با توجه به اینکه اتفاق نظر خبرگان در دور دوم حاصل گردید، تکمیل پرسش‌نامه‌ها در دو دور (راند) انجام شد. در دور اول متغیرهای شناسایی شده با کمک مصاحبه، در قالب پرسش‌نامه به خبرگان داده شد و با توجه به گزینه پیشنهادی و متغیرهای زبانی تعریف شده، نتایج حاصل از بررسی پاسخ‌های درج شده در پرسش‌نامه برای به دست آوردن میانگین فازی متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. برای محاسبه میانگین فازی از روابط زیر استفاده گردید.

$$A_i = (a_1^i, a_2^i, a_3^i), i = 1, 2, 3, \dots, n \quad (2)$$

$$A_{ave} = (m_1, m_2, m_3) = \left(\frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_1^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_2^{(i)}, \frac{1}{n} \sum_{i=1}^n a_3^{(i)} \right)$$

در رابطه فوق A_i بیانگر دیدگاه خبره i ام و A_{ave} بیان کننده میانگین دیدگاه خبرگان است. بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تعداد پاسخ‌های داده شده به هر عامل مورد شمارش و بررسی قرار گرفت که در بخش یافته‌ها به نتایج آن اشاره می‌گردد.

عناصر یا مؤلفه‌های حکمرانی شبکه‌ای بر اساس بررسی متون با نظر ۱۵ نفر از خبرگان صنعت توزیع گاز مورد بررسی قرار گرفت. فراوانی پاسخ‌های ارائه شده در دو دور نظرسنجی در جدول (۶) نشان داده شده است. پرسش‌نامه‌ها در دو دور به خبرگان ارائه شد و چون متغیر جدیدی اضافه نشد، ضریب هماهنگی کندال مناسب در نرم‌افزار آماری^{۵۲} به دست آمد. با توجه به مقدار ضریب کندال محاسبه شده با اختلاف کمتر از ۰/۱ در دو راند، اتفاق نظر خبرگان

تأیید گردید. مقدار توافق در دور دوم هم‌گراتر شد و متغیر جدیدی اضافه نشد و بنابراین انجام دورهای دلفی در دور دوم متوقف گردید.

جدول (۵): نتایج شمارش پاسخ‌های مرحله اول و دوم نظرسنجی

خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم	
دور اول	دور دوم	دور اول	دور دوم	دور اول	دور دوم	دور اول	دور دوم	دور اول	دور دوم
۸	۱۰	۴	۳	۲	۱	۱	۱	۰	۰
۱۱	۱۲	۳	۲	۱	۱	۰	۰	۰	۰
۴	۶	۵	۴	۴	۴	۲	۱	۰	۰
۲	۲	۱۰	۱۰	۳	۳	۰	۰	۰	۰
۸	۸	۷	۷	۰	۰	۰	۰	۰	۰
۴	۷	۶	۵	۳	۲	۲	۱	۰	۰
۶	۶	۶	۶	۳	۳	۰	۰	۰	۰
۶	۶	۶	۶	۲	۲	۱	۱	۰	۰
۱۰	۱۰	۴	۴	۱	۱	۰	۰	۰	۰
۹	۹	۴	۴	۲	۲	۰	۰	۰	۰
۶	۶	۶	۶	۳	۳	۰	۰	۰	۰
۹	۸	۳	۴	۳	۳	۰	۰	۰	۰
۱۰	۱۰	۳	۳	۱	۱	۱	۱	۰	۰
۸	۱۰	۵	۴	۲	۱	۰	۰	۰	۰
۶	۶	۳	۳	۵	۵	۱	۱	۰	۰
۷	۶	۳	۴	۴	۴	۱	۱	۰	۰

منبع: یافته‌های پژوهش

میانگین امتیازها در دور دوم عمدتاً بالای ۴/۰ است (از ۵) و بیش از ۷۰٪ پاسخ‌ها در سطوح «زیاد» یا «خیلی زیاد» قرار دارند. مثلاً در مؤلفه «تجمع نهادهای موازی»، ۱۲ از ۱۵ پاسخ (۸۰٪) «خیلی زیاد» است. آستانه توافق ۷۰٪ است، اکثر مؤلفه‌ها (۱۳ از ۱۶) به این آستانه

رسیده‌اند که باعث توقف در دور دوم دلفی شده است. در تحلیل همبستگی رتبه‌بندی‌ها بین رتبه‌بندی میانگین مؤلفه‌ها در دو دور احتمال آماره کوچک‌تر از $0/001$ است که همبستگی قوی نشان می‌دهد. رتبه‌بندی اهمیت مؤلفه‌ها (مانند اولویت «حمایت‌های ارزی» در هر دو دور) پایدار مانده است.

جدول (۶): آزمون هماهنگی کندال در دو راند

نتایج دوره اول	نتایج دوره دوم	گزاره‌های دلفی
۱۶	۱۶	تعداد خبرگان (N)
$0/721$	$0/793$	ضریب هماهنگی کندال (Kendall's W ^a)
$24/95$	$34/66$	آماره کای دو (Chi-Square)
۴	۴	درجه آزادی (df)
$0/001$	$0/001$	سطح معناداری مجانبی (.Asymp. Sig)

منبع: یافته‌های پژوهش

۶- یافته‌های پژوهش

بعد از اینکه تعداد پاسخ‌های داده شده به هریک از متغیرها تعیین گردید و بعد از محاسبه میانگین فازی مثلی برای متغیرها، از اعداد فازی قطعی شده و فرمول مینکوفسکی برای محاسبه هر متغیر استفاده گردید. میانگین قطعی به‌دست‌آمده نشان‌دهنده میزان شدت موافقت خبرگان با هر یک از متغیرهای شناسایی شده است. نتایج حاصل از میانگین فازی و فازی‌زدایی مؤلفه‌ها در جدول (۷) ارائه شده است. بر اساس نتایج به‌دست‌آمده، مدل اصلاح شکاف خط‌مشی‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران در شکل (۲) نشان داده شده است.

جدول (۷): میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مرحله دوم

وضعیت شاخص ($0/7 \leq$)	مقدار قطعی	ارزش فازی	مؤلفه	بُعد
تأیید	$0/81$	$(0/62, 0/87, 0/95)$	تأمین منابع در قانون بودجه و برنامه هفتم	نهادی
تأیید	$0/86$	$(0/68, 0/93, 0/98)$	تجميع نهادهای موازی	نهادی
تأیید	$0/72$	$(0/5, 0/75, 0/9)$	شفافیت	نهادی
تأیید	$0/72$	$(0/48, 0/73, 0/95)$	ارتقای چهارچوب‌های نظارتی	نهادی

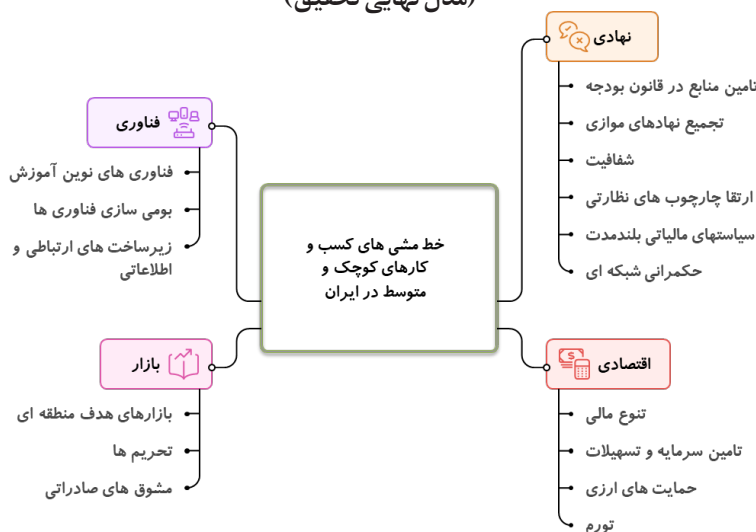
بُعد	مؤلفه	ارزش فازی	مقدار قطعی	وضعیت شاخص ($0/7 \leq$)
نهادی	خط‌مشی‌های مالیاتی بلندمدت	($0/63, 0/88, 1$)	$0/84$	تأیید
نهادی	حکمرانی شبکه‌ای	($0/55, 0/8, 0/93$)	$0/76$	تأیید
اقتصادی	تنوع مالی	($0/55, 0/8, 0/95$)	$0/77$	تأیید
اقتصادی	تأمین سرمایه و تسهیلات	($0/53, 0/78, 0/93$)	$0/75$	تأیید
اقتصادی	حمایت‌های ارزی	($0/65, 0/9, 0/98$)	$0/84$	تأیید
اقتصادی	تورم	($0/62, 0/87, 0/97$)	$0/82$	تأیید
بازار	بازارهای هدف منطقه‌ای	($0/55, 0/8, 0/95$)	$0/77$	تأیید
بازار	تحریم‌ها	($0/58, 0/83, 0/95$)	$0/79$	تأیید
بازار	مشوق‌های صادراتی	($0/62, 0/87, 0/95$)	$0/81$	تأیید
فناوری	فناوری‌های نوین آموزش	($0/65, 0/9, 0/98$)	$0/84$	تأیید
فناوری	بومی‌سازی فناوری‌ها	($0/48, 0/73, 0/88$)	$0/70$	تأیید
فناوری	زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی	($0/5, 0/75, 0/9$)	$0/72$	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهش

مقادیر فازی مثلثی (شامل سه عدد: کم‌ترین، محتمل‌ترین، بیشترین) نشان‌دهنده نظرات خبرگان درباره اهمیت هر مؤلفه است. تجمیع نهادهای موازی ($0/86$)، حمایت‌های ارزی ($0/84$)، خط‌مشی‌های مالیاتی بلندمدت ($0/84$) و فناوری‌های نوین آموزش ($0/84$) بالاترین مقادیر قطعی را دارند و به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌ها در بهبود محیط کسب‌وکار SMEs شناخته می‌شوند. این مقادیر به‌دلیل ماهیت کیفی و عدم قطعیت در نظرات خبرگان، به‌صورت فازی جمع‌آوری شده‌اند. همان‌گونه که در جدول شماره (۷) ملاحظه می‌شود بُعد نهادی، بالاترین تعداد مؤلفه‌ها (۶ مورد) را دارد و تجمیع نهادهای موازی به‌عنوان اولویت اصلی برجسته است که نشان‌دهنده نیاز مبرم به هماهنگی نهادی برای رفع پراکندگی و موازی‌کاری در خط‌مشی‌گذاری SMEs است. در بُعد اقتصادی، حمایت‌های ارزی و تورم به‌عنوان اولویت‌های اصلی شناخته می‌شوند که نشان‌دهنده تأثیر عمیق بی‌ثباتی‌های اقتصادی کلان بر SMEs است. در بُعد بازار، مشوق‌های صادراتی به‌عنوان اولویت اصلی مطرح است که نشان‌دهنده نیاز به حمایت‌های هدفمند برای تقویت حضور SMEs در بازارهای منطقه‌ای و

جهانی است. جمع‌بندی ابعاد و مؤلفه‌ها، مدل نهایی تحقیق را فراهم می‌آورد (شکل ۲).

شکل (۲): مدل اصلاح شکاف خط‌مشی‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران (مدل نهایی تحقیق)



منبع: یافته‌های پژوهش

مهم‌ترین چهارچوب‌های نظری برای تحلیل شکاف خط‌مشی‌گذاری و پیاده‌سازی محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ایران در جدول (۸) نشان داده شده است. بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده از دو دور نظرسنجی دلفی و تحلیل‌های آماری، مشکلات کلیدی کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران در چهار دسته اصلی اقتصادی و مالی، نهادی و قانونی، فناوری و بازار دسته‌بندی شده‌اند. هر دسته شامل مؤلفه‌ها و شاخص‌های مرتبط است که با مدل اصلاح شکاف خط‌مشی‌های SMEs هم‌راستا بوده و از اجماع و ثبات بالایی برخوردار است (ضریب Kendall's $W = 0.793$ در دور دوم و $p\text{-value} = 0.001$). در ادامه، تحلیل مشکلات در هر دسته ارائه می‌شود.

جدول (۸): چهارچوب‌های نظری و کاربرد آن‌ها در تحلیل محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ایران

منبع	کاربرد در محیط کسب‌وکار SMEs	محور اصلی	چهارچوب نظری
هالت و رامش (۲۰۰۳)	دسته‌بندی پژوهش‌ها بر اساس مرحله؛ تمرکز ایران بر تدوین بدون ارزیابی	مراحل خط‌مشی	چرخه خط‌مشی
کینگدون (۱۹۸۴)	توضیح ناکامی اصلاحات به دلیل عدم پنجره فرصت	تلاقی جریان‌ها	MSA
ساباتیر و جنکینز-اسمیت (۱۹۹۳)	تحلیل ضعف شبکه‌سازی ذی‌نفعان در ایران	شبکه‌ها و ائتلاف	ACF
اوستروم (۱۹۹۰)	تحلیل فقدان نهاد ملی هماهنگ‌کننده	قواعد نهادی	IAD
هود (۱۹۹۱)	تسهیل مجوزدهی	کاهش بوروکراسی	NPM
برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۱۹۹۷)	ارزیابی تطبیقی	شفافیت	حکمرانی خوب
پروان و کنیس، (۲۰۰۸) جونز و همکاران، (۲۰۱۶)	با تأکید بر همکاری افقی، اشتراک منابع و هماهنگی بین سازمانی، می‌تواند نوآوری و رقابت‌پذیری SMEs را در زنجیره‌های تأمین جهانی تقویت کند	تعامل چندبخشی	حکمرانی شبکه‌ای
سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (۲۰۲۲)	کاهش هزینه‌های انطباق در دیجیتال	خط‌مشی چابک	تنظیم‌گری هوشمند

منبع: یافته‌های پژوهش.

۶-۱- بُعد اقتصادی و مالی

این گروه از مسائل بیشتر روی مشکلات مالی و اقتصادی تمرکز دارد که به‌عنوان بزرگ‌ترین موانع برای پیشرفت و دوام کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شناخته شده‌اند. محدودیت‌های دسترسی به منابع مالی و نقدینگی با معیارهایی مثل درصد تأمین وام برای شرکت‌های کوچک در مقایسه با تقاضای آن‌ها (که فاصله زیادی بین نیاز و آنچه در دسترس است را نشان می‌دهد) و نسبت وثیقه‌های لازم به مبلغ تسهیلات (که بار سنگینی روی دوش این واحدها می‌گذارد) همراه هستند؛ این بخش با میانگین امتیاز ۴/۱۳ در مرحله دوم روش گروهی متخصصان و پایداری کامل (بدون هیچ تغییری در توزیع) یکی از اولویت‌های اصلی به‌شمار می‌رود و محدودیت در رسیدن به نقدینگی و شرایط سفت و سخت وثیقه به‌عنوان مانع کلیدی رشد این کسب‌وکارها عمل کرده و با توافق زیاد (بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌ها در گزینه‌های «زیاد» یا «خیلی زیاد») مورد تأیید قرار گرفته است. نوسان‌های ارزی و تورم هم با شاخص‌هایی مانند نرخ تورم و نشانه‌های

ناپایداری اقتصاد کلان (که برنامه‌ریزی مالی این واحدها را به هم می‌ریزد) و تغییرات نرخ ارز در دوره‌های زمانی خاص (که خطر تجارت را بیشتر می‌کند) تعریف می‌شوند؛ این مؤلفه با میانگین‌های ۴/۴۷ (برای تورم) و ۴/۶۰ (برای حمایت‌های ارزی) در مرحله دوم، از مهم‌ترین اولویت‌ها محسوب می‌شود و تمرکز پاسخ‌ها روی سطوح بالا، نگرانی عمیق متخصصان از اثرات تورم و نوسان‌های ارزی روی این کسب‌وکارها را برجسته می‌کند. در کل، بررسی این گروه با میانگین‌های بالا (از ۴/۱۳ تا ۴/۶۰) و توافق محکم (مقادیر p -value آزمون کای-اسکوئر نزدیک به ۱/۰) بر تأثیر زیاد مشکلات مالی و اقتصادی بر روی قدرت رقابت این واحدها تأکید دارد و این مسائل را به‌عنوان دلایل اصلی عدم پایداری شرکت‌ها برجسته می‌نماید.

۶-۲- بُعد نهادی و قانونی

این گروه از مشکلات بیشتر به موانع ساختاری و حقوقی که جلوی پای کسب‌وکارهای کوچک و متوسط قرار دارد، می‌پردازد و روی فضای کلی فعالیتشان تأثیر می‌گذارد. فضای قانونی و اداری (کاغذبازی اداری) با معیارهایی مثل تعداد مراحل اداری و وقتی که برای گرفتن مجوزها صرف می‌شود - که پیچیدگی کارها را نشان می‌دهد - و تکرار قوانین متناقض (مثل قوانین مالیاتی و تأمین اجتماعی) - که باعث گیجی می‌شود - همراه است؛ این بخش با مواردی مانند «ادغام سازمان‌های مشابه» (با میانگین ۴/۷۳) و «شفافیت» (میانگین ۴/۰۰) در بررسی روش گروهی متخصصان هم‌خوانی دارد و تفاوت نسبی در شفافیت (دامنه چارک برابر ۲/۰) لزوم تلاش بیشتر برای رسیدن به توافق کامل را برجسته می‌کند. فساد و تصمیم‌گیری‌های سلیقه‌ای هم با شاخص‌هایی مانند جایگاه کشور در شاخص درک فساد - که مشکلات سیستمی را آشکار می‌کند - و تعداد شکایت‌های شرکت‌ها از مداخله‌های شخصی - که اعتماد به سیستم اداری را کم می‌کند - تعریف می‌شود؛ این مؤلفه با «شفافیت» و «بهبود چهارچوب‌های نظارتی» (میانگین ۳/۹۳) ارتباط دارد و پایداری این موارد اهمیتشان را نشان می‌دهد، هرچند توافق روی آن‌ها متوسط است. نبود یک مسئول واحد هم با معیارهایی مثل وجود سازمان‌های زیاد با وظایف تکراری (مانند وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کار و معاونت علمی) و کمبود سند یا برنامه ملی برای پیشرفت این کسب‌وکارها مرتبط است؛ این بخش با «ادغام سازمان‌های مشابه» (میانگین ۴/۷۳، دامنه چارک ۰/۰) هم‌سو است و توافق قاطع خبرگان برای نیاز به هماهنگی سازمانی را تأیید می‌کند. در مجموع، بررسی این گروه با میانگین‌های بین ۳/۹۳ تا ۴/۷۳ و توافق زیاد (به‌ویژه در

ادغام سازمان‌ها) بر مشکلات ساختاری اصلی تأکید دارد و بروکراسی اداری دست‌وپاگیر و نبود هماهنگی سازمانی را به‌عنوان دلایل کلیدی افت کارایی این واحدها می‌شناسد.

در قسمت سازمانی، مدل اصلاح فاصله خط‌مشی‌های کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، حکمرانی شبکه‌ای به‌عنوان یک روش اصلی برای کنترل روابط پیچیده بین سازمان‌ها، کسب‌وکارها و طرف‌های درگیر مطرح می‌شود که روی همکاری افقی، هماهنگی بین سازمانی و تقسیم قدرت تمرکز دارد تا موانع سازمانی مثل کارهای تکراری و بروکراسی اداری را کم کند. این ایده که از منابع جهانی گرفته شده است، به این کسب‌وکارها کمک می‌کند تا با شبکه‌های رسمی و غیررسمی، منابع را تقسیم کنند، خلاقیت را بیشتر کنند و بازدهی اقتصادی را بالا ببرند؛ مثلاً در زنجیره‌های تأمین بین‌المللی، حکمرانی شبکه‌ای می‌تواند شرکت‌های تولیدی کوچک را برای اداره روابط با تأمین‌کنندگان و توزیع‌کنندگان قوی‌تر کند و خطرهای زنجیره تأمین را پایین بیاورد (پرووان و کنیس، ۲۰۰۸؛ جونز و همکاران، ۲۰۱۶). در ایران، این رویکرد می‌تواند یک شبکه یکپارچه بین عوامل گوناگون بسازد و ساختارهای سازمانی برای شرکت در تولیدهای دانش‌محور آماده کند که این کار به رشد این کسب‌وکارها در صنایع نوین کمک می‌کند و مشکلات سازمانی مثل نبود مسئول واحد را با ایجاد شبکه‌های هماهنگ برطرف می‌نماید. به‌طور کلی، حکمرانی شبکه‌ای در این واحدها با میانگین امتیاز ۴/۲۰ در مرحله دوم بر لزوم توجه به همکاری‌های شبکه‌ای برای کم کردن پراکندگی سازمانی و بهبود کارایی تأکید دارد.

۶-۳- بُعد فناوری

این گروه از مسائل بیشتر روی موانع مربوط به نوآوری و پایه‌های فناوری تمرکز دارد که برای قدرت رقابت کسب‌وکارهای کوچک و متوسط ضروری به‌شمار می‌روند. آموزش فناوری‌های جدید با معیارهایی مثل درجه دسترسی این کسب‌وکارها به برنامه‌های آموزشی مبتنی بر فناوری و سطح به‌کارگیری فناوری‌های پیشرفته در عملیات روزانه‌شان همراه است؛ این بخش با میانگین ۴/۶۰ در مرحله دوم و کم شدن پراکندگی (انحراف استاندارد از ۰/۷۱ به ۰/۶۱) یکی از اولویت‌های کلیدی محسوب می‌شود و توافق بیشتر کسب‌وکارهای کوچک و متوسط روی آن، اهمیت آموزش فناوری برای تقویت این واحدها را برجسته می‌کند. بومی‌سازی فناوری‌ها هم با شاخص‌هایی مانند وابستگی این کسب‌وکارها به فناوری‌های وارداتی و توانایی تولید فناوری‌های داخلی در محیط کسب‌وکار تعریف می‌شود؛ با میانگین ۳/۹۳ و دامنه چارک بالا (۲/۰)، این مؤلفه

کم‌اهمیت‌ترین در گروه فناوری است و تفاوت نظر زیاد، لزوم رسیدن به توافق بیشتر را نشان می‌دهد. زیرساخت‌های ارتباطی و اطلاعاتی نیز با معیارهایی مثل کیفیت و دسترسی به امکانات دیجیتال (مثل اینترنت پرسرعت) و درجه ادغام سیستم‌های اطلاعاتی در زنجیره تأمین این کسب‌وکارها مرتبط هستند؛ با میانگین $4/00$ و دامنه چارک برابر $2/0$ ، این قسمت پراکندگی متوسط دارد که احتمالاً به پیچیدگی‌های ساختاری برمی‌گردد. در مجموع، بررسی این گروه با میانگین‌های بین $3/93$ تا $4/60$ بر نقش کلیدی فناوری تأکید دارد، اما تفاوت‌ها در بعضی بخش‌ها (مثل بومی‌سازی) نیاز به تلاش بیشتر برای ایجاد هم‌گرایی را آشکار می‌کند و آموزش فناوری‌های نوین به‌عنوان اولویت نشان داده می‌شود.

۴-۶- بُعد بازار

این گروه از مسائل بیشتر روی مشکلات گسترش بازار و موانع بیرونی تمرکز دارد. تحریم‌های جهانی و تجارت خارجی با معیارهایی مثل سهم صادرات کسب‌وکارهای کوچک و متوسط از مجموع صادرات غیرنفتی - که نشان‌دهنده محدودیت‌های صادراتی است - و دسترسی به فناوری و تجهیزات خارجی - که به‌خاطر تحریم‌ها کم شده - همراه هستند؛ این بخش با مواردی مثل «تحریم‌ها» (با میانگین $4/33$)، «مشوق‌های صادراتی» ($4/47$) و «بازارهای هدف منطقه‌ای» ($4/20$) هم‌خوانی دارد و با ثبات زیاد و میانگین‌های بالا، اهمیت این چالش‌ها را برجسته می‌کند. بازارهای هدف منطقه‌ای هم با شاخص‌هایی مانند حجم تجارت این کسب‌وکارها با کشورهای اطراف و درجه دسترسی به بازارهای محلی تعریف می‌شود؛ با میانگین $4/20$ و ثبات کامل، این قسمت روی لزوم گسترش بازارهای منطقه‌ای برای کم کردن تأثیر تحریم‌ها تأکید می‌کند. مشوق‌های صادراتی هم با معیارهایی مثل میزان بهره‌برداری این کسب‌وکارها از تسهیلات صادراتی و اثر مشوق‌های گمرکی روی صادرات شرکت‌های کوچک مرتبط است؛ با میانگین $4/47$ و تمرکز زیاد روی گزینه «خیلی زیاد»، این مؤلفه نیاز به حمایت‌های دقیق و هدفمند برای صادرات این واحدها را نشان می‌دهد. در کل، تحلیل این گروه با میانگین‌های بین $4/20$ تا $4/47$ و ثبات محکم، بر ضرورت توسعه بازارهای خارجی و کنترل تحریم‌ها اصرار دارد و مشوق‌های صادراتی و بازارهای منطقه‌ای را به‌عنوان اولویت‌های کلیدی برجسته می‌کند.

۷- نتیجه‌گیری و پیشنهادهای سیاستی

در این مطالعه، شکاف پیاده‌سازی در خط‌مشی‌های بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط (SMEs) در ایران، با استفاده از روش‌های دلفی فازی و تحلیل‌های آماری، شناسایی و تحلیل شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود اسناد و قوانین متعدد، به‌ویژه در زمینه حمایت از SMEs، اجرای این سیاست‌ها در عمل با مشکلات و کاستی‌های جدی مواجه است؛ امری که ضرورت تمرکز تحلیلی بر مرحله اجرا و سازوکارهای عملیاتی سیاست‌ها را بر جسته می‌سازد.

از منظر ادبیات خط‌مشی‌گذاری عمومی، یافته‌های این مطالعه با جریان پژوهش‌هایی هم‌راستا است که ناکامی سیاست‌ها را نه در مرحله تدوین، بلکه در مرحله اجرا و تبدیل تصمیمات رسمی به کنش‌های عملیاتی توضیح می‌دهند (پرسمن و ویلداسکی، ۱۹۸۴؛ هیل و هوپ، ۲۰۱۹). در حالی که بخش قابل توجهی از مطالعات پیشین، به‌ویژه در حوزه کسب‌وکارهای کوچک و متوسط، بر شناسایی موانع یا پیشنهاد بسته‌های حمایتی تمرکز داشته‌اند، این مطالعه نشان می‌دهد که مسئله اصلی در ایران، شکاف پیاده‌سازی به‌مثابه یک پدیده نهادی و اجرایی است که در چند حوزه سیاستی به‌طور هم‌زمان بروز می‌یابد. تعدد نهادهای تصمیم‌گیر، هم‌پوشانی وظایف و ضعف پاسخ‌گویی، منجر به «فرسایش اجرایی» در سیاست‌های حمایت از SMEs شده است. این نتیجه با دیدگاه (لیپسکی^{۵۳}، ۱۹۸۰) درباره «بروکراسی در سطح خدمات عمومی^{۵۴}» هم‌راستا است، زیرا در بسیاری از موارد، تصمیم‌نهایی در سطح مجریان محلی اتخاذ می‌شود و شکاف بین سیاست رسمی و واقعیت میدانی را افزایش می‌دهد.

علاوه بر این، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مسئله در ایران نه در کمبود خط‌مشی‌ها یا نیت سیاسی، بلکه در ضعف ظرفیت اجرایی و نهادی نهفته است. به بیان دیگر، مشکل اصلی نه در آنچه خط‌مشی‌گذاران می‌خواهند انجام دهند، بلکه در چگونگی انجام آن است. این استدلال با داده‌های تجربی پژوهش پشتیبانی می‌شود که بیانگر پراکندگی تصمیم‌گیری، نبود سازوکارهای نظارت مؤثر و ضعف در ارتباطات بین سازمانی است.

همچنین، در مقایسه با چهارچوب‌های نظری مورد استفاده در ادبیات، نتایج این تحقیق مؤید آن است که هیچ‌یک از رویکردهای مسلط خط‌مشی‌گذاری اعم از تمرکز بر دستور کارگذاری (در چهارچوب جریان‌های چندگانه)، نقش ائتلاف‌های ذی‌نفع (در چهارچوب ACF) یا قواعد نهادی (در چهارچوب IAD)، به‌تنهایی قادر به تبیین یا رفع شکاف پیاده‌سازی در حوزه SMEs نیستند، بلکه شواهد تجربی این مطالعه نشان می‌دهد که این شکاف،

53. Lipsky

54. Street-level bureaucracy

محصول هم‌زمان ضعف هماهنگی نهادی، ناکارآمدی سازوکارهای اجرایی و محدودیت‌های محیطی اقتصاد کلان است؛ وضعیتی که موجب می‌شود حتی سیاست‌های دارای اجماع نسبی نیز در مرحله اجرا به نتایج مورد انتظار منجر نشوند. در واقع، شواهد تجربی نشان می‌دهد که شکاف پیاده‌سازی در ایران پدیده‌ای چندبُعدی و نظام‌مند است که در تعامل سه سطح رخ می‌دهد: سطح نهادی (ناهماهنگی ساختاری میان نهادها)، سطح اجرایی (ضعف مهارت و انگیزش سازمانی) و سطح محیطی (بی‌ثباتی اقتصادی و مقرراتی). استدلال اصلی پژوهش آن است که تنها از طریق رویکردی تلفیقی و چندسطحی می‌توان این شکاف را درک و مدیریت کرد؛ بنابراین اصلاح محیط کسب‌وکار SMEs در ایران مستلزم انتقال تمرکز سیاست‌گذاری از «تدوین سیاست» به «حکمرانی اجرا» است. دولت باید از نقش تنظیم‌گر صرف، به تسهیل‌گر هماهنگی و تضمین‌کننده کارآمدی اجرا تبدیل شود. این امر مستلزم تقویت ظرفیت‌های نهادی، بهبود نظام ارزیابی و پاسخ‌گویی و ایجاد سازوکارهای میان‌بخشی برای نظارت و بازخوردگیری است.

بر این اساس، دستاورد علمی اصلی پژوهش حاضر نه ارائه یک مدل نظری جدید، بلکه غنی‌سازی ادبیات شکاف پیاده‌سازی از طریق ارائه شواهد تجربی نظام‌مند در زمینه خط‌مشی‌های بهبود محیط کسب‌وکار در ایران است. این مطالعه نشان می‌دهد که تحلیل شکاف پیاده‌سازی، زمانی معنادار و راهگشا خواهد بود که به‌صورت بین‌بخشی و مبتنی بر اجماع خبرگان انجام گیرد و از تقلیل آن به یک مانع منفرد یا یک ابزار سیاستی خاص پرهیز شود.

در نهایت، نتایج پژوهش بر این نکته تأکید دارد که بهبود محیط کسب‌وکارهای کوچک و متوسط در ایران، بیش از آنکه مستلزم تولید سیاست‌های جدید باشد، نیازمند ارتقای ظرفیت پیاده‌سازی، هماهنگی نهادی و کارآمدسازی سازوکارهای اجرایی سیاست‌های موجود است. تمرکز بر این رویکرد می‌تواند به خط‌مشی‌گذاران کمک کند تا شکاف میان اهداف اعلامی و نتایج عملی سیاست‌ها را کاهش داده و زمینه تحقق پایدار اهداف حمایت از SMEs را فراهم آورند.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

حامی مالی

حامی مالی وجود ندارد.

فهرست منابع

- ArminKia, A. H., Moradi, M., & Salehi, M. (2025). The relationship between information technology dimensions and innovative performance of SMEs: Evidence from Iranian context. *Information*, 16(12), 1100. <https://www.mdpi.com/2078-2489/16/12/1100>
- Badulescu, D., Herte, D. A., & Badulescu, A. (2023). The dynamics of the SME sector and the business environment in Romania in the European context. *Proceedings of the International Management Conference*, 17(1), 395-404. <https://doi.org/10.24818/IMC/2023/03.01>
- Baral, M. M., Rao, U. V. A., Dey, G. C., Mukherjee, S., Rao, K. S., & Arun Kumar, M. (2023). Achieving sustainability of SMEs through industry based-4.0 circular economy: Evidence from empirical structural equation modeling. *International Journal of Global Business and Competitiveness*, 18(2), 128-144. <https://doi.org/10.1007/s42943023000742>
- Beck, T., & DemirgüçKunt, A. (2006). Small and mediumsize enterprises: access to finance as a growth constraint. *Journal of Banking & Finance*, 30(11), 2931-2943. <https://doi.org/10.1016/j.jbankfin.2006.05.009>
- Chen, S. J., & Hwang, C. L. (1992). Fuzzy multiple attribute decision making: Methods and applications. *Springer*. <https://doi.org/10.1007/978-3-642-46768-4>
- Costache, C., Dumitrascu, D. D., & Maniu, I. (2021). Facilitators of and barriers to sustainable development in small and medium sized enterprises: A descriptive exploratory study in Romania. *Sustainability*, 13(6), 3213. <https://doi.org/10.3390/su13063213>
- Djankov, S., McLiesh, C., & Ramalho, R. (2006). Regulation and growth. *Economics Letters*, 92(3), 395-401. <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2006.03.021>
- Durst, S., & Edvardsson, I. R. (2012). Knowledge management in SMEs: a literature review. *Journal of Knowledge Management*, 16(6), 879-903. <https://doi.org/10.1108/13673271211276173>
- Farzanegan, M. R., & Habibi, N. (2024). *The Effect of International Sanctions on the Size of the Middle Class in Iran* (CESifo Working Paper No. 11175). <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4882432> [In Persian]
- Ghasemi, T. (2015). Examining and explaining the role of bank facilities in the

- growth of small and medium enterprises (SMEs): a case study of firms located in Shams Abad Industrial Town, Tehran. In Proceedings of the 3rd International Conference on New Research in Management, Economics and Accounting. <https://civilica.com/doc/554749/> [In Persian]
- Habibi, A., Sarafrazi, A., & Izadyar, S. (2014). Delphi technique theoretical framework in qualitative research. *The International Journal of Engineering and Science*, 3(4), 8-13. <https://parsmodir.com/wp-content/uploads/2018/11/Delphi2014-En.pdf> [In Persian]
- Hill, M., & Hupe, P. (2019). *Implementing public policy: An introduction to the study of operational governance* (3rd ed.). SAGE Publications. <https://uk.sagepub.com/en-gb/eur/implementing-public-policy/book251055>
- Hood, C. (1991). A public management for all seasons? .Public Administration, 69(1), 3-19. <https://doi.org/10.1111/j.1467-9299.1991.tb00779.x>
- Howlett, M., & Ramesh, M. (2003). *Studying public policy: policy cycles and policy subsystems* (2nd ed.). Oxford University Press.
- Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines and Agriculture. (2024). *National report on monitoring the business environment*. Iran Chamber of Commerce. <https://otaghiranonline.ir/UFiles/Docs/2025/2/4/Doc20250204083233818.pdf> [In Persian]
- Islamic Parliament Research Center. (2024). *Revision of the role of governance in the development of small businesses* (3) in Iran. Tehran: Islamic Parliament Research Center. <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/1836616> [In Persian]
- Ishikawa, A., Amagasa, M., Shiga, T., Tomizawa, G., Tatsuta, R., & Mieno, H. (1993). The max-min delphi method and fuzzy delphi method via fuzzy integration. *Fuzzy Sets and Systems*, 55(3), 241-253. [https://doi.org/10.1016/0165-0114\(93\)90251-C](https://doi.org/10.1016/0165-0114(93)90251-C)
- Jones, C., Hesterly, W. S., & Borgatti, S. P. (2016). A general theory of network governance. *Academy of Management Review*, 22(4), 911-945. <https://journals.aom.org/doi/abs/10.5465/amr.1997.9711022109>
- Kingdon, J. W. (1984). *Agendas, alternatives, and public policies*. Little, Brown and Company. <https://www.worldcat.org/oclc/10323274>
- Lipsky, M. (1980). *Street-level bureaucracy: dilemmas of the individual in public services*. Russell Sage Foundation. <https://www.russellsage.org/publications/>

street-level-bureaucracy-0

- Manourian, A., Moghimi, S. M., Movahedi, M., & Hosseinzadeh, M. (2012). Explaining SME export development policymaking in Iran using grounded theory. *Journal of Public Administration*, 4(11), 123-144. <https://doi.org/10.22059/jipa.2012.35536>
- Mastrocinque, E., Ramírez, F. J., Honrubia-Escribano, A., & Pham, D. T. (2022). Measuring open innovation under uncertainty: a fuzzy logic-based approach. *Robotics and Computer-Integrated Manufacturing*, 74, 102269.
- Mehrabi Sharaf Abadi, H., Totiyan Esfahani, S., Daneshfard, K., & Mofakhpor, M. (2024). A meta-synthesis model of the opportunities and challenges of network governance in the digital age. *Iranian Journal of Public Administration Studies*, 7(3), 85-117. <https://www.civilica.com/doc/2232300>
- Mohsenikabir, Z., Mousavi Kashi, Z., & Seyed Hosseininia, S. S. (2024). Explaining the resilience model of small and medium businesses in Iran with the combined approach of ISM-FDEMATEL. *Quarterly Journal of the Iranian Management Sciences Association*. https://journal.iams.ir/article_419.html [In Persian]
- OECD, European Training Foundation, European Union, & European Bank for Reconstruction and Development. (2019). SME Policy Index: Western Balkans and Turkey 2019: Assessing the Implementation of the Small Business Act for Europe. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/g2g9fa9a-en>
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2022a). *OECD regulatory policy outlook 2022*. OECD Publishing.
- Organisation for Economic Cooperation and Development. (2022b). *SME policy index: Western Balkans and Turkey 2022: assessing the implementation of the small business act for Europe*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/b47d15f0-en>
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2023a). *Framework for the evaluation of SME and entrepreneurship policies and programmes 2023*. OECD Publishing. https://www.oecd.org/en/publications/framework-for-the-evaluation-of-sme-and-entrepreneurship-policies-and-programmes-2023_a4c818d1-en.html
- Organisation for Economic Co-operation and Development. (2023b). *SME policy responses to the 2022/2023 energy crisis: policy highlights and country experiences* (OECD SME and Entrepreneurship Papers No. 43). OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/80012fbd-en>

- Organisation for Economic Co-operation and Development & European Bank for Reconstruction and Development. (2023c). *SME policy index: Eastern partner countries 2024 – Building resilience in challenging times*. OECD Publishing. <https://doi.org/10.1787/3197420e-en>
- Ostrom, E. (1990). *Governing the commons: the evolution of institutions for collective action*. Cambridge University Press. <https://www.worldcat.org/oclc/19083010>
- Pressman, J. L., & Wildavsky, A. B. (1984). *Implementation: How great expectations in Washington are dashed in Oakland* (3rd ed.). University of California Press. ISBN: 978-0520053311.
- Provan, K. G., & Kenis, P. (2008). Modes of network governance: structure, management, and effectiveness. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 18(2), 229-252. <https://doi.org/10.1093/jopart/mum015>
- Rezaei Mottale, R., Nasrollahi, M., & Anoosheh, M. (2020). A review of barriers and challenges of small and medium-sized enterprises in Iran. In Proceedings of the Fifth National Conference on Economics, Management and Accounting, Ahvaz, Iran. <https://civilica.com/doc/1231363>
- Rhodes, R. A. W. (1997). *Understanding governance: policy networks, governance, reflexivity, and accountability*. Open University Press.
- Sabatier, P. A., & Jenkins-Smith, H. C. (1993). *Policy change and learning: An advocacy coalition approach*. Westview Press. ISBN: 978-0813316649 <https://www.worldcat.org/oclc/27475529>
- Sabatier, P. A., & Weible, C. M. (2014). *Theories of the policy process* (3rd ed.). Westview Press. <https://www.routledge.com/Theories-of-the-Policy-Process-Third-Edition/Sabatier-Weible/p/book/9780813349266>
- Shahsavari, H. R., Taheri Godarzi, H., & Kamali, M. J. (2022). Identifying the main components and indicators governing the industrial policy evaluation model with a production boom approach in small and medium business clusters. *Iranian Journal of Management Sciences*, 17(66), 145-168. [In Persian]
- Terziovski, M. (2010). Innovation practice and its performance implications in small and medium enterprises (SMEs) in the manufacturing sector: a resource-based view. *Strategic Management Journal*, 31(8), 892-902 <https://doi.org/10.1002/smj.835>

United Nations Development Programme. (1997). *Governance for sustainable human development: A UNDP policy document*. United Nations Development Programme. <https://digitallibrary.un.org/record/492551?v=pdf>

World Bank. (2020). *Small and medium enterprises in the pandemic: Impact, responses, and the role of development finance*. World Bank Group. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/729451600968236270/pdf/Small-and-Medium-Enterprises-in-the-Pandemic-Impact-Responses-and-the-Role-of-Development-Finance.pdf>

World Bank. (2004). *World development report 2005: a better investment climate for everyone*. World Bank. <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/554071468182337250>

World Economic Forum & Accenture. (2025). *Global Economic Futures: Productivity in 2030*. World Economic Forum. <https://www.weforum.org/publications/global-economic-futures-productivity-in-2030/>